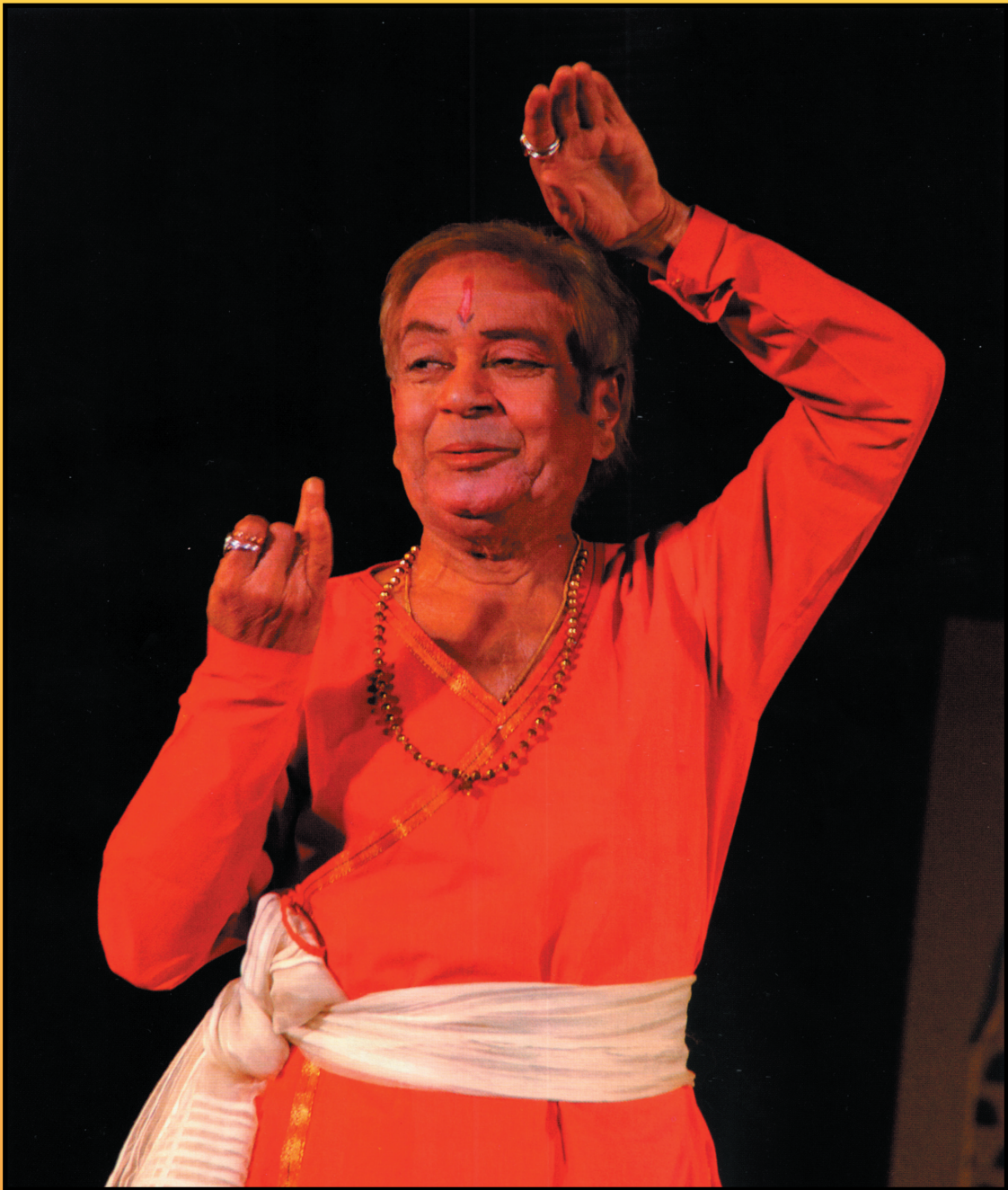


# آیین‌ها

نشریه دوماهانه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند (تهران)

شماره سی و سوم، آوریل-مه ۲۰۱۰ م.، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۸ ش.



## مدرسه سفارت هند - تهران

(یک مدرسه بین المللی عالی)

### نکات برجسته:

- پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم
- تمام درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود
- آموزش با کیفیت عالی با تأکید بر رشد شخصیتی منسجم
- گروه معلمان و دبیران بسیار ماهر و متعهد
- آزمایشگاه های کاملاً مجهز
- کامپیوتر با دسترسی به اینترنت
- فعالیتهای ورزشی (داخل سالن و هوای آزاد)
- آمفی تئاتر چند منظوره
- سرگرمی های همزمان برای عرضه و بهبود بخشیدن استعدادها
- وابسته به هیئت مرکزی آموزش متوسطه ( Central Board of Education)، دهلی نو
- تسهیلات ایاب و ذهاب از تمام نقاط شهر
- چند ملیتی به معنای واقعی ( شاگردان بیش از ده کشور مشغول تحصیل هستند )
- تشویق نوآوری، ابتکار و خلاقیت
- القا و آموزش ارزش سکولار و انسانی
- بوفه با خوراکی های بهداشتی

رئیس مدرسه : آقای یشپال سینگ (Mr. Yashpal Singh)

تلفن: ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۳۴۶۴۰

دورنگار : ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۲۰۲۴۲

نشانه الکترونیکی : kvtehran@yahoo.com

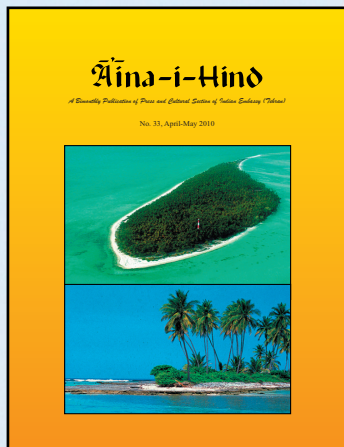
# آئینه هند ( نشریه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند - تهران )

شماره سی و سوم، آوریل-مه ۲۰۱۰ م، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۹ ش.

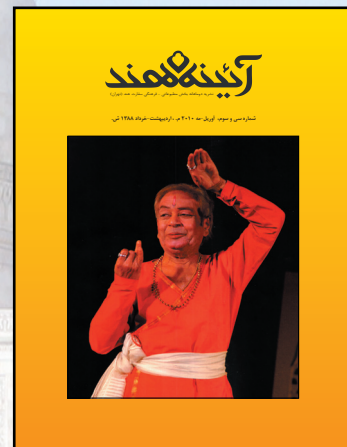
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

مدیر مسؤول : مریدو پاون داس (دبیر دوم)  
(Mridu Pawan Das)

مترجم و ویراستار : سید عبدالقادر هاشمی



نماهایی از جزایر لاکشادویپ



بیرجو مهاراج

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	سفر وزیر امور خارجه هند برای شرکت در اجلاس سران گروه ۱۵ در تهران
۴	لاکشادویپ؛ بهشت مرجانی / نویسنده: بیتو سهگال (Bitu Sehgal)
۱۰	فناوری اطلاعات؛ ساختار بخش / حجم بازار
۱۳	یکی از هندشناسان برجسته ایران مرحوم دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی / سید عبدالقادر هاشمی
۱۵	تأثیر چاپخانه های بمبئی و کلکته در روشنگری مردم ایران
۱۸	ادی شنکر آچاریا؛ قدیس و فیلسوف بزرگ / نویسنده: بی.ام. مالهورا (B.M. Malhotra)
۲۱	تیم مشت زنی جوانان هند در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا
۲۳	الیاف طلایی هند؛ کنف طبیعی مد روز می شود / نویسندگان: پوپل دتا (Pupal Dutta) و آپارجیتا گوپتا (Aparjita Gupta)
۲۶	به یاد راج کاپور / نویسنده: بی.ام. مالهورا (B.M. Malhotra) / مترجم: مریم حسینی متقاعد
۳۲	راسکین بوند؛ زندگی و روزگار او / نویسنده: گانیش سیلی (Ganesh Saili)
۳۴	معبد امبر؛ اعجازی در سنگ مرمر / نویسنده: دکتر سوپهاشینی آریان (Dr. Sunhashini Aryan)
۳۸	رقص کتهک؛ تکامل قصه گو / نویسنده: لیلا ونکاتارامان (Leela Venkataraman)
۴۷	ریتها؛ میوه ی سحر انگیز هند / نویسنده: کی.ال. نوآتای (K.L. Noatay)

**خوانندگان عزیز و گرامی!** ما از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کنیم و از شما دعوت می کنیم که مقالات و نوشته های خود را راجع به

روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران و هند (به صورت افتخاری) برای انتشار در این مجله ارسال نمایید.

نشانی ما عبارت است از : تهران - خیابان میرعماد - شماره ۴۶ یا تهران صندوق پستی شماره ۴۱۱۸-۱۵۸۷۵

نشانی الکترونیکی : [indemteh@dpimail.net](mailto:indemteh@dpimail.net) دورنگار : ۸۸۷۴۵۵۵۷ - ۸۸۷۵۵۹۷۳

**علاقه مندان به این مجله می توانند با نشانی مجله مکاتبه نمایند تا برای آنها به طور رایگان ارسال گردد.**

# سفر وزیر امور خارجه هند جناب آقای اس. ام. کریشنا برای شرکت در اجلاس سران گروه ۱۵ در تهران (۱۵-۱۸ مه ۲۰۱۰م.)



وزیر امور خارجه هند جناب آقای اس. ام. کریشنا (Mr. S.M. Krishna) در راس هیئتی عالیرتبه برای شرکت در چهاردهمین اجلاس سران گروه ۱۵ از پانزدهم تا هجدهم مه ۲۰۱۰ میلادی/۲۵-۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ ش. وارد تهران شد. جناب وزیر در روز هفدهم مه/۲۷ اردیبهشت در سخنرانی اش اظهار داشت که این اجلاس سران فرصتی فراهم کرد که پیشرفت گروه ۱۵ از زمان تاسیس آن که دو دهه پیش به عمل آمد، مورد بررسی قرار گیرد. ایشان تاکید کردند که گروه ۱۵ برای وارد کردن مسایل مورد علاقه ی کشورهای در حال رشد در دستور جلسه ی جهانی و یافتن نتایجی که به مسایل مورد علاقه اش بپردازد، کوشش های مشترکی به عمل آورده است. ایشان پیشنهاد کرد که گروه پانزده را باید، نه فقط برای همکاری جنوب-جنوب بلکه برای بیان کردن خط مشی در گفت و گوی جهانی در زمینه های تجارت، پول و سرمایه گذاری، توسعه عادلانه، امنیت غذایی و انرژی، تغییرات آب و هوایی و غیره نیز تریبونی موثر ساخت. گروه ۱۵ باید همچنین راه ها و وسایل ترویج همکاری جنوب-جنوب را بررسی کند.



وزیر امور خارجه هند با رئیس مجلس شورای اسلامی



وزیر امور خارجه هند با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران



وزیر امور خارجه هند در اجلاس سران گروه ۱۵

جناب آقای وزیر طی اقامت خود در تهران به دیدن جناب دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران و جناب آقای دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، رفت و با جناب آقای منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران ملاقات کرد. وزیر امور خارجه هند در ملاقات های خود با مقامات عالی رتبه ی ایران درباره ی مسایل مربوط به علایق متقابل و تحولات منطقه ای و بین المللی تبادل نظر کرد.

# لاکشادویپ

## بهشت مرجانی

نویسنده: بیتو سهگال (Bitu Sehgal)



منظره هوایی جزیره آگاتی

جزایر لاکشادویپ در وسط اقیانوس بین ۲۲۰ و ۴۴۰ کیلومتری از ساحل کرالا در رشته کوه شمالی-جنوبی چاگوس واقع است و با مقاصد خارق العده و قشنگی مانند جزایر موریس و مالدیو تنوع زیستی نسبتاً مشترکی دارند. این جزایر دور افتاده ولی غیر قابل دسترس نیستند و برای مردم ماجراجو مقصدی مورد علاقه شده است.

لاک پشت سبز قبل از اینکه من آن را ببینم، مرا دید. من هنوز در حال آموزش غواصی بودم و کل تمرکزم برای گرفتن نفس بعدی بود در حالیکه مربی غواصی ام میتالی کاکار (Mitali Kakkar) را مستقیم نگاه می کردم. من از نزدیک شدن لاک پشت از سمت راست هنگامی مطلع شدم که تنها در فاصله یک متری بود. آن به راستی به سمت من سر خورد و ماسک چشم مرا با منقار زاویه دار رو به پایینش لمس (بوس) کرد! و سپس برگشت و به سادگی به سوی دنیای عمیق آبی اش فراسوی دیواری که در هیچ جایی در دریای عرب تمام نمی شود، رفت. من تقریباً در تمام زندگی ام برای حمایت از لاک پشت ها کار کرده بودم و آن لاک پشت وحشی به گونه ای برای هدف زندگی ام جای تردید باقی نگذاشت.

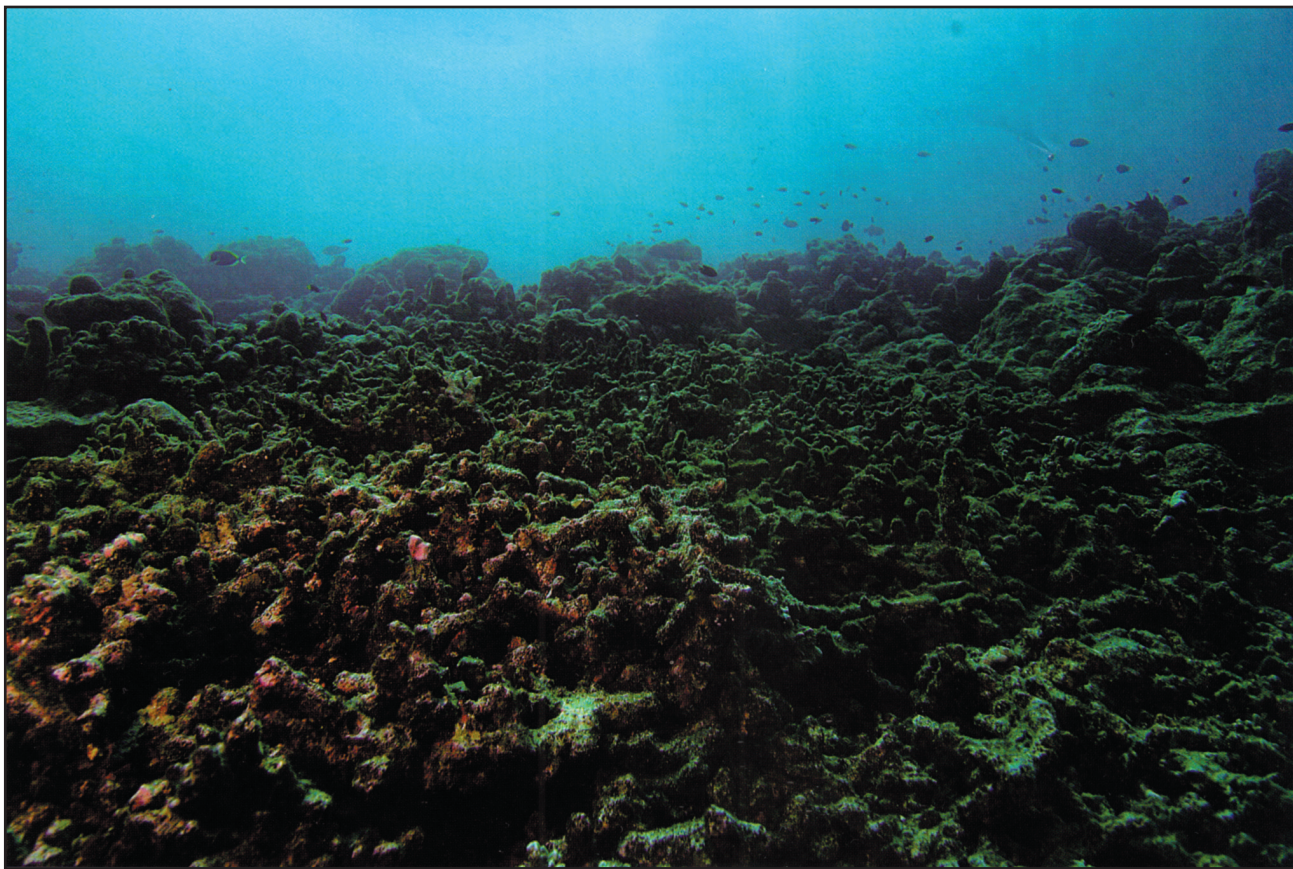
چیزی بسیار آرامش بخش در مورد غواصی در اقیانوس شفاف وجود دارد. مانند بودن در رحم طبیعت. شما چنان در چنگال طبیعت هستید که اعتماد و بقا و حیات به یک جریان تبدیل می شوند. لحظه ای که از ترس ابتدایی تان رها شدید، کشف می کنید که نفس کشیدن



جزیره کالینی



لاک پشت منقار عقابی با غواص



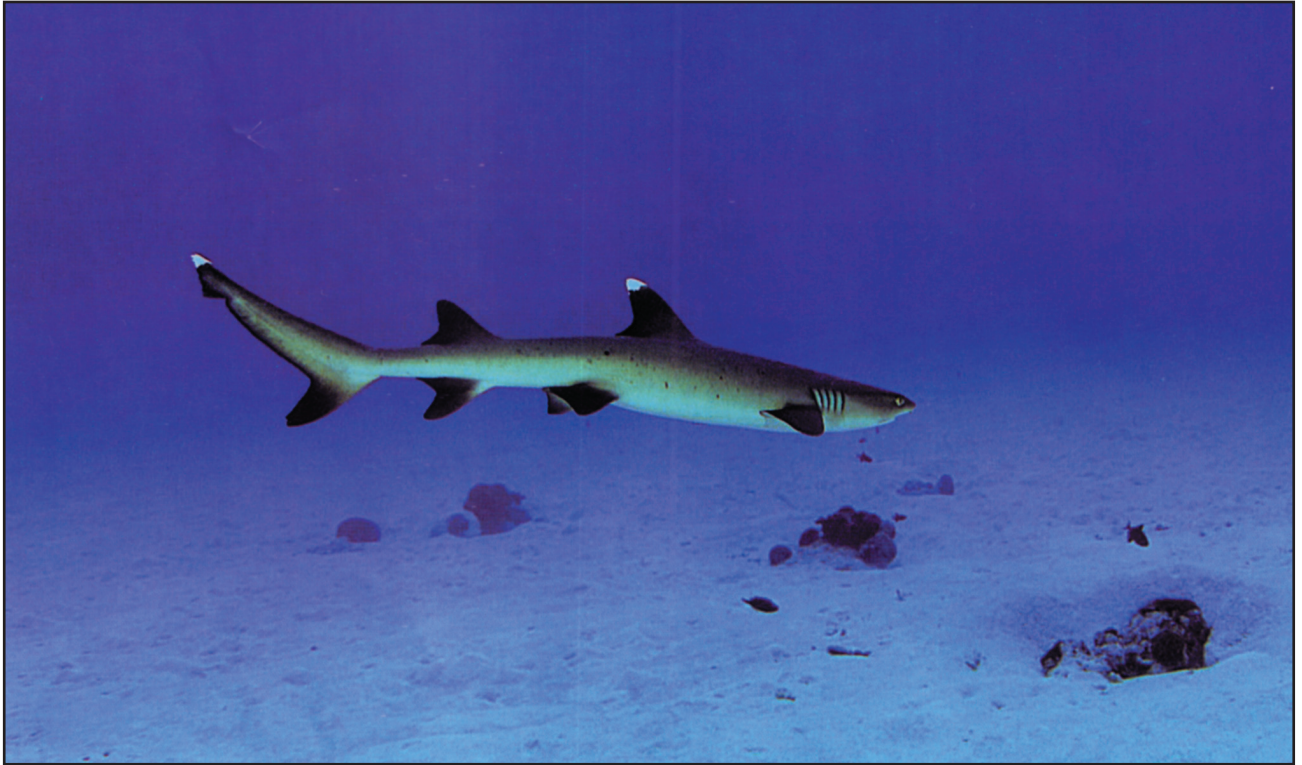
مرجان

زیر آب با مخازن هوا همانند شیرینی پای سیب راحت تر است و اجازه دهید که طبیعت و عناصرش کار خود را بکنند. به جز صدای نفس کشیدن خود صدایی را نمی شنوید و برای مبتدیان همه چیز تازه و جادویی است. در ساحل، همچنین در مورد به خواب رفتن و بیدار شدن با صدای دریا، از جایکه همه زندگی زمینی منشاء می گیرد، چیزی مانند نیروی طبیعی وجود دارد.

من از ده ها سال پیش می خواستم که از جزایر لاکشادویپ بازدید کنم اما تصویری نادرست داشتم که رفتن به آنجا از ممبئی جایکه من زندگی می کنم کاری تقریباً غیر ممکن است. در اواخر دسامبر سال ۱۹۹۷ میلادی با پروازی به کوچین (Cochin) رفتم و با قایق سواری شبانه در "فری" (نوعی قایق که مسافر، کالا یا وسایل نقلیه را از عرض رودخانه عبور می دهد) معروف به تیپو سلطان (Tipu Sultan) به علاوه انتقال پرماجرا در پابلو (Pablo) - قایق های سواری نقلی که تاکسی های شناور برای جزایر هستند - آن تصور غلط را درست کرد.

سفر راحت بود و زندگی در کادمات (Kadmat)، جزیره ای که در آن میتالی و گروهش از سازمان حفاظت دریایی جزیره که مدرسه فوق العاده غواصی را اداره می کنند، راحت و هنر دوستانه است. با همه شیفتگی، تنها چیزی را که واقعاً می توانم در مورد لاکشادویپ تصور کنم غواصی بود. تا آنجایی که من تنها یک صبح از ده روز را به شکار گذراندم (اجتماعات بزرگ پرستوی دریایی از جمله استرنا فوسکاتا (*Sterna fuscata*) پرستوی دریایی سیاه، استرنا برگی (*Sterna bergii*) پرستوی دریایی بزرگ کاکل دار، استرنا رپرسا (*Sterna repressa*) (پرستوی دریایی سفید گونه، به علاوه مرغهای نوروزی، اگریتا گولاریس (*Egretta gularis*) پرستوهای دریایی صخره ای غربی، نومینیوس آرکواتا (*Numenius arquata*) مرغ گیلان شاه اوراسیایی و ریکو ویروس ترا آووستا (*Recurvirostra avosetta*)).





کوسه سردار سفید صخره ای



ماهی های آزاد



میگوی چنل



ماهی دلفک



مارماهی پلنگی

البته، حالا، پروازها از کوچین به آگاتی (Agatti) بازدیدها را از جزایر لاکشادویپ حتی آسانتر می سازد. جزایر لاکشادویپ در مقایسه با جزایر اندمان و نیکوبار (Andaman & Nicobar) بدون تردید کوچکتر هستند. مجمع الجزایر از ۳۶ جزیره، ۱۲ جزیره مرجانی ۳ صخره و ۵ کران ماسه دور از ساحل تشکیل شده است. زمین این ناحیه ۳۲ کیلومتر مربع است اما تالاب ها درون حاشیه جزایر مرجانی حلقوی تا حدود ۴۲۰۰ کیلومتر مربع گسترده است. تنها ده تا از جزایر مسکونی هستند. اینها (به ترتیب حروف الفبا) آگاتی (که باند موقت [هوایما] دارد)، آمینی (Amini)، اندروت (Andrott)، بیترا (Bitra) (فقط در حدود ۱۰۰ نفر)، چتلات (Chetlat)، کادمات (Kadmat)، کالپنی (Kalpeni)، کاواراتی (Kavaratti) (ده هزار نفر)، کیلتان (Kiltan) و مینیکوی (Minicoy) هستند.

کادمات، نقره ی جزیره در گسترده ترین نقطه خود فقط ۵۵۰ متر عرض و ۸ کیلومتر طول دارد. سواحل ماسه ای پاک و تالاب های کوچک هم در سمت شرق و هم در سمت غرب قرار دارد. کادمات با آگاتی و بنگارام (Bangaram)، استانداردهای بسیار عالی محل سکونت بازدیدکنندگان را ارایه می کند و تفرج گاه های اینجا با شرایط مثبت محیطی شان با بهترین ها در جهان قابل مقایسه هستند. برخلاف جزایر اندمان و نیکوبار مرداب ها در اینجا محیط هایی آرام برای شناگران فراهم می کنند و در سراسر سال ایمن هستند.

همانند فرهنگ بیشتر جزایر، افراد محلی بسیار صمیمی هستند. اکنون اغلب آنها خودشان غواصانی خبره و ماهر هستند و تعدادی از آنها میان بهترین طبیعی دانان دریایی در هند قرار دارند. آنها می توانند صدها ماهی جزیره و بی مهرگان را فقط با دیدن تشخیص بدهند.

جدا از غذاهای دریایی، نارگیل ها منبع مهم تغذیه هستند، اما به اغلب غذا و مایحتاج جزیره نشینان سوبسید داده می شود و از سرزمین اصلی با قایق می رسد. اغلب مردم به گویش جِسری (Jesseri) که آمیزه ای از مالایالام (Malayalam) با تأثیر کامل عربی است صحبت می کنند. اما ساکنان مینیکوی (Minicoy) به مهل (Mahl)، که کاملاً متفاوت است و زبان آنها با مردم مالدیو مشترک است محاوره می کنند.

برای قرنها، نحوه ی زندگی و رسوم جزیره نشینان محلی (حالا ۶۰۰۰۰ نفره) تضمین کرد که رسوب بسیار نازک عدسی شکل زیر دریا آب شرب تازه، خالص و بدون آلودگی باقی مانده است. اما آنها دیگر کنترل آنچه را که دیگران انجام می دهند ندارند و این امر به حق آنان را حتی بیش از فاضلاب و فضولات جامدی نگران می کند که کشتی ها در دریاها ی سالم و دست نخورده یشان می ریزند.

جزیره نشینان در موسم بارندگی، ماهی گیری نمی کنند؛ شکار لاک پشت و دلفین ممنوع است، گرچه گاه گاهی حیوانی گرفته و خورده خواهد شد. لاک پشت های سبز، لاک پشت های منقار عقابی و شقایق های دریایی همه در اینجا تولید مثل می کنند و در سواحل که خوشبختانه از سگ های خانگی رها هستند، تخم گذاری می کنند.

سازمان نظارت بر صخره و دیگر سازمان های خصوصی با مسؤولان جزیره برای آموزش کودکان در مورد ارزش مکان هایی مانند جزیره پیتی (Pitti) واقع در ۲۵ کیلومتری شمال غربی کاواراتی همکاری می کنند، جایی که پرستوهای دریایی نودی و سوتی لانه گذاری می کنند و جمع آوری تخم های پیتی پاکشی (پرندگان پیتی) بیشتر به خاطر آزردهی برخی بزرگسالان قدغن است.

هیچ کس نمی تواند ادعا کند که بهترین های هند را دیده است. اگر آنها به این بهشت زمین نیامده باشند!

◆ مؤلف: سردبیر Sanctuary Asia است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، سپتامبر-اکتبر ۲۰۰۹ میلادی

# فناوری اطلاعات

## ساختار بخش / حجم بازار

صنعت فناوری اطلاعات (آی.تی) هند نقشی اساسی در ثبت هند بر نقشه ی جهانی ایفا کرده است. هند به برکت موفقیت‌های صنعت فناوری اطلاعات امروز قدرتی است که به حساب آورده می شود. طبق انجمن ملی شرکت های نرم افزاری و خدماتی (National Association of Software and Service Companies)، بالاترین سازمان خدمات نرم افزاری در هند، در آمد بخش فناوری اطلاعات از ۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال مالی ۹۸-۱۹۹۷ میلادی به ۵/۸ درصد تخمینی در سال مالی ۲۰۰۸-۰۹ میلادی افزایش یافته است.

هم چنین سازمان این صنعت انتظار دارد که این بخش طی سال مالی ۱۰-۲۰۰۹ بین ۴ درصد و ۷ درصد رشد کند و به رشد بیش از ده درصدی در سال آینده برسد.

رشد اقتصادی فناوری اطلاعات هند در دنیا اساساً تحت الشعاع نرم افزار و خدمات فناوری اطلاعات مانند توسعه و نگهداری کاربرد گمرکی، هماهنگی سیستم، مشاوره ی فناوری اطلاعات، مدیریت کاربردی، آزمایشی نرم افزار و خدمات وب است.

طبق آخرین یافته های انجمن ملی شرکت های نرم افزاری و خدمات؛ بخش برون سپاری فرآیند تجاری فناوری اطلاعات هند در سال مالی ۲۰۰۹ میلادی ۲ درصد رشد کرد و به ۷۱/۷ میلیارد دلار در مجموع در آمد (از جمله سخت افزاری) رسید. از این رو، بخش نرم افزاری و خدمات ۵۹/۶ میلیارد دلار محاسبه شد.

صادرات برون سپاری فرآیند تجاری فناوری اطلاعات (از جمله صادرات سخت افزاری) تا ۱۶ درصد افزایش پیدا کرد و از ۴۰/۹ میلیارد دلار آمریکا در سال مالی ۲۰۰۷-۰۸ میلادی به ۴۷/۳ میلیارد دلار آمریکا در سال مالی ۲۰۰۸-۰۹ میلادی بالغ شد.

به علاوه، طبق یک بررسی واحد تحقیقاتی اسپرینگ بورد (Springboard Research) تخمین زده می شود که بازار خدماتی فناوری اطلاعات هند با نرخ رشد سالیانه ۱۸/۶ درصد بیشترین رشد کننده در ناحیه ی آسیا-اقیانوس آرام باقی بماند.

در حال حاضر ۶۰۰ میلیون کاربر اینترنت در کشور وجود دارد. طبق انجمن تولید کنندگان فناوری اطلاعات، تعداد واحدهای فعال اینترنت از ۷/۲ میلیون واحد در مارس ۲۰۰۸ به ۸/۶ میلیون در مارس ۲۰۰۹م. افزایش یافت.

انجمن تولید کنندگان فناوری اطلاعات طرح "هدف ۵۱۱" ("Goal 511")، هدفی بلند پروازانه را داده است که در مورد ۵۰۰ میلیون کاربر اینترنت، ۱۰۰ میلیون ارتباطات باند پهن و ۱۰۰ میلیون دستگاه مرتبط تا سال ۲۰۱۲ میلادی صحبت می کند.

مطالعه ای توسط انجمن تولید کنندگان فناوری اطلاعات تخمین می زند که فروش کلی کامپیوتر شخصی در هند احتمالاً در سال

۱۰-۲۰۰۹ میلادی تا ۷ درصد رشد کند و انتظار می رود که با فروش های کلی از مرز ۷/۳ میلیون واحد بگذرد.

علاوه بر این، شرکت های نرم افزاری به ساختن شرکت هایی با سریع ترین رشد در برنامه ی فناوری سریع دیلوئیٹ ۵۰ هند ۲۰۰۹ (Deloitte Technology Fast 50 India 2009) به تشکیل شرکت هایی با سریع ترین رشد ادامه دادند. در سال ۲۰۰۹ میلادی، تشکیل شرکت های نرم افزاری به رشد ۸۰ درصدی رسید. با وجود کاهش ها و چالش های پیش روی رشد اقتصادی این گزارش اظهار می دارد که متوسط نرخ رشد ده شرکت طراز اول به طور چشمگیری در مقایسه با ۸۴۵ درصد در سال گذشته به ۱۰۰۳ درصد افزایش یافت.

### **برون سپاری (Outsourcing)**

طبق انجمن ملی شرکت های نرم افزاری و خدماتی، صادرات نرم افزار و خدمات (از جمله صادرات خدمات فناوری اطلاعات، برون سپاری فرآیند تجاری توسعه و تحقیق و خدمات مهندسی و خدمات توسعه و تحقیق (Research & Development) و تولیدات نرم افزاری) در سال مالی ۲۰۰۸-۰۹ میلادی به ۴۷ میلیارد دلار رسید و تقریباً ۷۵ درصد به کل درآمد ۵۹/۶ میلیارد دلاری خدمات نرم افزار کمک کرد. بنا به گفته ی دفتر مشاوره ی جهانی مدیریت ای. تی. کیارنی (A.T. Kearney)، هند هنوز هم برای شرکت هایی که در جستجوی برون سپاری ساختن فناوری اطلاعات و عملکردهای اداره پشتیبانی هستند، ارجح ترین مقصد است. هند هم چنین مزیت کم هزینه بودنش را حفظ کرده است و هنگامی که همراه با محیط تجاری که ارائه می دهد و قابلیت مردم ماهر و کارآزموده، در نظر گرفته می شود، در میان جاهایی است که از لحاظ مالی بسیار پر کشش است.

آی. بی. ام (IBM) غول عظیم آی. تی جهانی در نظر دارد که میزان عملکردهای برون سپاری فرآیند تجاری اش در این کشور را بالا ببرد و به دنبال استخدام ۵۰۰۰ نفر برای حمایت این بسط و گسترش است.

برخی معامله های بزرگ در فضای برون سپاری عبارتند از:

شرکت ایچ. سی. ال تکنولوژی (HCL Technologies) وارد معامله ۵ ساله با مجتمع رسانه ای News Corp برای مدیریت مراکز داده ها و فناوری اطلاعات خود از روی روزنامه های انگلیسی شده است. طبق نظر کارشناسان صنعتی، معامله در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار آمریکا تثبیت شده است.

ایچ. سی. ال تکنولوژی هم چنین قراردادی به ارزش ۵۰ میلیون دلار از میگیت (Meggitt)، سازنده تجهیزات دفاعی مستقر در انگلیس برای فراهم آوری خدمات مهندسی دریافت کرد.

والمارت (Walmart) سه فروشنده آی. تی در هند یعنی انفوسیس تکنولوژی (Infosys Technologies)، کوگنایزنت تکنولوژی سالیوشنز (Cognizant Technology Solutions) و یو. اس. تی. گلوبال (UST Global) را برای قراردادهای چند ساله ای انتخاب کرده است که بیش از ۶۰۰ میلیون دلار ارزش دارند.

### **سرمایه گذاری ها**

\* دولت آندرا پرداش انتظار دارد که منطقه های ویژه اقتصادی وابسته به فناوری اطلاعات و پارک های تکنولوژی نرم افزاری هند در ایالت در حدود ۳/۲۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری ها را در ۵ سال آینده بدست آورد. ماهیندرا ساتیام (Mahindra Satyam) با شرکت

امنیتی و دفاعی ساب (Saab) قراردادی بسته است تا فعالیت هایش را در هند برای دفاع جهانی و تقاضای امنیت داخلی توسعه دهد. بهای تخمین زده ی معامله ۴۰۰ میلیون دلار است.

\* شرکت تأمین کننده راه حل های مجازی به نام وی.ام.ویر (VMware) مستقر در سان فرانسیسکو قصد دارد تا اواخر سال ۲۰۱۰م. در هند ۱۰۰ میلیون دلار آمریکا سرمایه گذاری کند.

\* سرمایه گذاری های کلی شرکت ای.ام.سی (EMC)، عامل جهانی مهم راه حل های زیربنایی اطلاعات، در هند تا اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی به ۲ میلیارد دلار آمریکا خواهد رسید.

### نفوذ روستایی

طبق آخرین گزارش انجمن موبایل و اینترنت هند (Internet and Mobile Association of India) هند روستایی ۳/۳ میلیون کاربر فعال اینترنت تا مارس ۲۰۰۸ داشته است. (از آنجا که هند روستایی برای اولین بار نقشه برداری شده بود، امکان تخمین رشد سال به سال کاربران اینترنت در روستاها وجود نداشت) همچنین این تحقیق نشان می دهد که ۵/۵ میلیون نفر وجود دارند که ادعا می کنند که زمانی از اینترنت استفاده کرده اند.

### اقدامات دولت

\* دولت با هدف تهیه چهارچوب سیاست فناوری اطلاعات ملی طولانی مدت در کشور برای تکنولوژی اطلاعات و توسعه نرم افزاری یک گروه کاری تشکیل داد.

\* تصویب قانون تکنولوژی اطلاعات که چهارچوب قانونی برای تسهیل تجارت الکترونیکی و معامله های الکترونیکی را فراهم می آورد.

برنامه ی دولت ملی الکترونیک به رهبری دولت الکترونیک نقش مهمی برای افزایش اینترنت در نواحی روستایی ایفا کرده است.

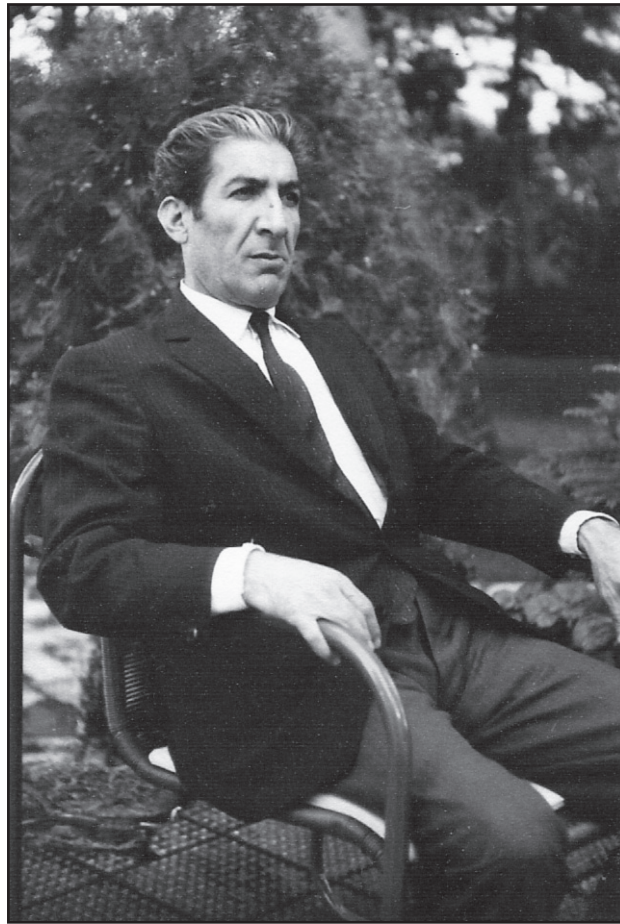
### راه در پیش

بخش تکنولوژی اطلاعات هند، یکی از بخش های امید بخش اقتصاد هند باقی مانده است و رشد سریع و امیدوارکننده ای را نشان می دهد. طبق گزارش تهیه شده توسط مکینسی (Mckinsey) برای انجمن ملی شرکت های نرم افزاری و خدماتی (NASSCOM) انتظار می رود بخش صادرات صنعت هند به درآمد ۱۷۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ میلادی برسد.

بخش داخلی تا سال ۲۰۲۰م. درآمد ۵۰ میلیارد دلاری را خواهد داشت.

علاوه بر این، بازارهای داخلی صادرات احتمالاً ۲۲۵ میلیارد دلار درآمد داشته باشند چون فرصت های تازه ای در بخش هایی مانند بخش دولتی و بهداشت به وجود می آیند و مناطق جغرافیایی جدید از جمله برزیل، هند، روسیه، چین، ژاپن برون سپاری بیشتر اختیار می کنند.\*

## یکی از هندشناسان برجسته ایران



مرحوم دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی

در روز یازدهم فروردین ۱۳۸۹ شادروان دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی، یکی از بزرگان هندشناس و یکی از خدمت گذاران فرهنگ و جامعه ایران پس از یک کسالت طولانی به دیار باقی شتافت و بنده که نه ادیبم و نه دست به قلم در فکر بودم که مطلبی درباره ی فقدان جبران ناپذیر این بزرگوار بنویسم و نمی دانستم از کجا شروع کنم و چه بنویسم که در روز پنج شنبه مجلس بزرگداشتی در کانون وکلای مرکز تهران برگزار شد و در آن علاوه بر جناب آقای سید محمد جندقی کرمانی پور (رئیس کانون) و پروفیسور سید حسن امین و شخصیت های دیگر سخن هایی در گرامیداشت این شادوران ایراد کردند و در آخر حجت الاسلام و المسلمین حق پناه، واعظ و وکیل دادگستری، مطالبی بیان کردند و در سخنان خود اشاره به انتشار مقاله ای از دکتر احمد مهدوی دامغانی در روزنامه اطلاعات همان روز کردند.

در روزنامه اطلاعات مقاله استاد مهدوی دامغانی را تحت عنوان "رفتند راستان و ..." مطالعه کردم و دیدم که بسیاری از مطالب را که می خواستم به رشته تحریر کشم ایشان به نحو احسن نگاشته و حرف دلم را زده اند، لذا بهتر می دانم که از قول ایشان بنویسم که:

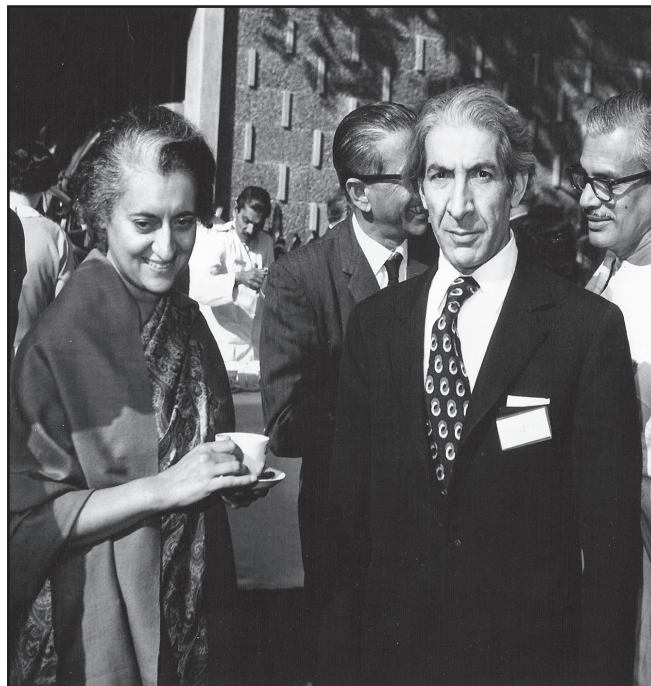
« در علو مقام علمی و ادبی و استمرار مجاهدت استاد جلالی نائینی در ترویج و نشر دانش و فرهنگ همین بس که در حال حاضر بعضی از کتب و آثاری را که او با زحمت تحقیق و تعلیق خود فراهم کرده، مرجع و مستند بسیاری از اهل فضل و ادب و تحقیق است و آینده مقام ممتاز او را در فرهنگ معاصر ایران نشان خواهد داد. او در زندگی عادی و روابط اجتماعی خود مردی به تمام معنی عادل، معتدل، فروتن و با دوستان بسیار با مروت بود و در همه امور معتقد به مدارا بود و نجابت سیادتش در زندگی و روابط اجتماعی او متجلی بود.»

بنده حدود چهل سال پیش خدمت این رادمرد رسیدم و از همان زمان شیفته اخلاق و خلق محمدی (ص) او گشتم و از همان زمان به عنوان شاگردی کوچک گاه گاهی خدمت آن بزرگوار می رسیدم و ایشان با آن همه بزرگی و جلالت با این حقیر با چنان محبت و شفقت رفتار می کردند که احساس می کردم یکی از فرزندان ایشان باشم. ایشان را خودم دیده ام که تا حدود دو سال قبل از درگذشت خود مشغول تحقیق و مطالعه و تدوین فرهنگ سنسکریت بود که دو جلد آن به چاپ رسیده اما جلد سوم به زیور طبع آراسته نگردید و کار ناتمام ماند.

ایشان علاوه بر آثار دیگر علمی در زمینه هندشناسی کارهای فراوانی نموده اند و از آن جمله است: "اوپانیشاد" ترجمه داراشکوه فرزند شاه جهان از سنسکریت به فارسی با مقدمه و حواشی و لغتنامه و اعلام با سعی و اهتمام دکتر تاراچند (یکی از دانشمندان و مورخان معروف هند و دومین سفیر هند مستقل در ایران) و دکتر جلالی نائینی، "پنچاکیانه"، پنج داستان (کلیله و دمنه) ترجمه از متن سنسکریت به زبان فارسی با تصحیح و توضیح دکتر جلالی نائینی، دکتر عابدی (سید امیر حسین عابدی از استادان ممتاز زبان و ادب فارسی دانشگاه دهلی) و دکتر تاراچند، "گزیده سرودهای ریگ ودا"، "مهابهارات"، ترجمه فارسی نقیب خان در چهار جلد با همکاری دکتر شوکلا (استاد پیشین زبان



(از چپ به راست): دکتر جلالی نائینی، دکتر راداکریشنان (رئیس جمهور فقید هند) و دکتر تاراچند



مرحوم دکتر جلالی نائینی با ایندیرا گاندی نخست وزیر فقید هند

سنسکریت در دانشگاه تهران)، "جوگ باشست" در فلسفه و عرفان هند ترجمه نظام پانی پتی، "لغات سانسکریت در کتاب مالهند بیرونی" با مقدمه دکتر تاراچند، "مجمع البحرین" (دریای دو اندیشه هندی و ایرانی) تألیف محمد دارا شکوه فرزند شاه جهان، "طریقه گورو نانک و پیدایی آئین سیک"، "منتخبات آثار داراشکوه"، "شرح حال جواهر لعل نهرو (نخستین نخست وزیر هند)، " فرهنگ سانسکریت به فارسی" در دو جلد و " هند در یک نگاه" مشتمل بر مردم شناسی، تاریخ سیاسی هندوستان، تاریخ مذهب هندو، پیدایی جهان هستی، سرودهای ودا، نوشته های اوپانیشادی و مکتب های فلسفی هند و موضوعات مختلف است که در زمینه هندشناسی آخرین تألیف مفصل ایشان می باشد که در سال ۱۳۷۶ انتشار یافت و هم اکنون مورد مراجعه و استناد پژوهشگران می باشد.

در آخر بر خود لازم می دانم که به عنوان یک هندی از طرف تمام هندیان علاقه مند به فرهنگ و ادب و توسعه و گسترش روابط دیرینه جمهوری هند و جمهوری اسلامی ایران به خانواده

محترم استاد مرحوم به ویژه همسر گرامی و فداکار ایشان سرکار خانم اعظم الملوک جلالی (مصطفوی) و فرزندان ارجمند ایشان آقایان منوچهر، احمدرضا، محمودرضا و محمد علی و خانم ها ایرانداخت و زیبای جلالی نائینی صمیمانه تسلیت عرض کنم.

سید عبدالقادر هاشمی

فروردین ۱۳۸۹



# تأثیر چاپخانه های بمبئی و کلکته در روشنگری مردم ایران

نویسنده: هیبت اله مالکی\*

با اینکه صنعت چاپ در دوره صفویه در سال ۱۰۱۶ با آمدن فرقه ی کرملی ها به اصفهان وارد ایران شد و کتاب هایی به وسیله خلیفه خاچا دور اصفهانی در چاپخانه ی جلفا به سال ۱۰۵۰ هـ. ق. / ۱۶۴۱ میلادی چاپ شد. و نیز خلیفه خاچا دور قیصری در جلفای اصفهان چاپخانه ای به راه انداخت که کاغذ و جوهر (دوات) و حروف این چاپخانه هم در جلفا تهیه می شد و هم اکنون نیز مقداری از حروف چوبی و چند جلد کتاب که با آن حروف و آن دستگاه چاپ شده در موزه ی کلیسای وانک موجود است.<sup>(۱)</sup>

اما فارسی زبانان و عموم ملت ایران سالیان دراز چاپخانه نداشتند تا اینکه در هنگام پادشاهی فتح علی شاه قاجار به همت عباس میرزا چند تن از جوانان برجسته و تیز هوش ایرانی به اروپا فرستاده شدند و فن چاپ را در اروپا آموختند و به همراه خود نخست چاپ حرفی (سربی) و سپس چاپ را به ایران آوردند و اولین چاپخانه را میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۳۵ در تبریز به کار انداخت و از این تاریخ به بعد کتاب هایی در دست داریم که در چاپخانه ی تبریز چاپ شده است.<sup>(۲)</sup>

لیکن، اکثر کتاب های حماسی، تاریخی، دینی و درسی ایرانیان از دیرباز تا انقلاب مشروطه سال ها در بندر بمبئی یا شهر کلکته به چاپ می رسید و بیش از یک قرن چاپخانه کلکته و بمبئی بزرگترین خدمات فرهنگی را به جامعه ایرانی بالأخص فارس بزرگ و بنادر جنوب ایران انجام داده اند، به گونه ای که اکثر روزنامه های دوره ی مشروطه که دارای خط مشی آزادی خواهی بودند یا در بمبئی و کلکته به چاپ می رسیدند یا اینکه مدیران آن روزنامه سال ها در هندوستان تحصیل کرده بودند و با استشمام عطر دل انگیز آزادی در سرزمین هم نژادان فرزانه خویش آشنا شده بودند و می خواستند جامعه ی ایرانی نیز از این موهبت انسانی بهره مند شود. بنابراین همت خود را در بازگشایی مدارس به روش نوین گذاشته بودند. لذا می بینیم که پس از سال ها تلاش و از خود گذشتگی، دارالفنون به همت صدراعظم بزرگ ایران معاصر میرزا تقی خان امیر کبیر آغاز به کار کرد. اکثر کتاب های درسی مدارس ایران در چاپخانه های مظفری یا مطبعه ی مظفری بمبئی، دارالطباعه ی محمدی بمبئی، مطبعه ی گلزار حسن بمبئی یا مطبعه حسنی چاپ می شد و منتشر می گردید. بنابر آن چه گذشت مردم شریف هندوستان با کمک های شایانی که در زمینه نشر کتاب و روزنامه به مردم سلحشور و دلیر ایران در هنگامه انقلاب مشروطه ی ایران نمودند در فراهم کردن زمینه فرهنگی ترقی خواهی و نو اندیشی و آزادی خواهی نقش به سزایی داشته اند و همچنین جنبش های فرهنگی ملت هندوستان در برابر استعمار همواره سرمشق ملت ایران در فراز و فرودهای انقلاب مشروطه بوده است.

روشنفکران ایران و پیشتازان نهضت مشروطه همدلی و یگانگی ملت هند و نخبگان ایشان را در جنبش های آزادی خواهی خود همواره ستوده اند، از جمله ملک الشعراء بهار در قصیده ای با مطلع زیر مشترکات تاریخی، نژادی، فرهنگی و اجتماعی ایران و هند را بدین گونه تصویر کرده اند:

زبده نسل آریا و جمند

نزد مردم به راستی علمند

پشت بر پشت پاسدار همند

هند و ایران برادران همند

آن یکی شیر و آن دگر خورشید

پارس شیر است و هند خورشید است

سیر چشمند هر دو چون خورشید  
 صاحب همّتند وجود و سخا  
 هر دو والا تبار و صاحب قدر  
 فخر تاریخ و زینت سیرند

گرچه چون شیر گرسنه شکمند  
 زآن به هر جا عزیز و محترمند  
 هر دو عالیمقام و محتشمند  
 معدن علم و منبع حکمند

تا آنجا که فرمایند:

مَتّ ایزد که هند گشت آزاد

خلق باید که قل اعوذ دمنند<sup>(۳)</sup>

همین عشق و علاقه و پیوستگی فرهنگی و افتخارات مشترک اساطیری و تاریخی است که در هنگامی که شاعر و فیلسوف گران قدر هندوستان رابیندرانات تاگور به عزم زیارت شاعر بزرگ ایران زمین و حافظ و مرزبان فرهنگ و ملیت ایرانی، حافظ شیراز و در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به ایران وارد می شود باز هم ملک الشعراء بهار یا ملک الشعراء مشروطیت ایران با عطر دل انگیز بیان شیوایش این چنین به استقبال وی شتافت:

تاگور! این چنگ که در دست تست  
 چنگ «زراتشت» و «برهما»ست این  
 صفحه درس «هومروس» است این  
 ساز «جنید» و «خرقانی» است این  
 این ز «مناکی» است تو را یادگار  
 گفته بود «سعدی»: شیراز راز  
 «جامی» و «عارفیش» چو ناخن زدند  
 دیر گهی شد که ز کار اوفتاد  
 عصر جدید ارچه ملک چهره است  
 بند عناصر همه را دست بست  
 هیچ کس آن چنگ نزد بر طریق  
 لیک تو خوش ساختی این چنگ را  
 هر چه زنی در ره او می زنی  
 طبع تو چنگ است و خزد زخمه اش  
 سال تو هفتاد و خیالت نوست  
 هر که ز یزدان به دلش نور تافت

بوده به چنگ دگران از نخست  
 مانده به «تاگور» ز «بودا»ست این  
 زخمه «خنیاگرتوس» است این  
 خامه «عطار» معانی است این  
 اینست نی «بلخی» «رومی» شعار  
 برده بدو ناخن «حافظ» نماز  
 «صائب» و «بیدل» به خروش آمدند  
 اختر سعدش ز مدار اوفتاد  
 زین مَلکی زمزمه بی بهره است  
 سنگ بلا شهپر جانشان شکست  
 هر کسی آن زد که پسندد فریق  
 یافتی آن ایزدی آهنگ را  
 خوش بزن این ره که نکو می زنی  
 شعر بلندت ازلی نغمه اش  
 ز آنکه ز یزدان به دلت پرتو است

در دو جهان دولت جاوید یافت<sup>(۴)</sup>

همچنین یکی دیگر از اساتید برجسته دانشگاه و شاعر بلند آوازه عصر مشروطیت که بارها در چامه های شیوایش مردم هند و ایران را به اتحاد و یگانگی فراخوانده و راه نجات هر دو ملت را ائتلاف و اتفاق داشته مرحوم استاد رشید یاسمی است. استاد ریشه یابی هر دو ملت را فرزند یک نیا می داند که در تاریخ از سرنوشتی مشترک برخوردار بوده اند و دارای یک تمدن یک فرهنگ بوده اند و در غم و شادی، فراز و فرود، سختی و آسایش همدیگر را همراهی کرده اند.

ابیاتی چند از چامه گرانمایه آن ادیب ارجمند:

در شادی و ملال عنان بر عنان هند	آری همیشه کشور ایران برفته است
باشد گواه من کتب باستان هند	ایران و هند مسکن یک دودمان بدند
هم مردمان ایران هم مردمان هند	یک دین و یک تمدن و فرهنگ داشتند
گرشاسب کیست؟ تهمتن هفت خوان هند	جمشید ما که بود؟ یمای بزرگ هند
بهرام گور شیفته لولیان هند	نوشیروان فریفته علم بید پای
اسلام تافت ز ایران در آسمان هند <sup>(۵)</sup>	ز آن سان که خور ز هند فروغ افکند به ما

اینک با ابیاتی نغز از همان استاد والامقام که زبان حال ما نیز می باشد به سخنان خویش پایان می دهیم:

پیر و جوان ما سوی پیر و جوان هند	اینک همی فرستد پیغام عشق و شوق
برنده تر شود چو زند بر فسان هند	ایران بر آن سر است که شمشیر علم او
پیوسته باد باز به سود و زیان هند	ایران بر آن سر است که سود و زیان او
در چشم ما زهر دو جهان به جهان هند	هند و جهان ز روی عدد گرچه چون همند

پانویس ها:

- ۱ - روزنامه ی کاوه، سال دوم (دوره جدید) شماره ۵.
- ۲ - سفرنامه میرزا صالح شیرازی (کازرونی): مجله یادگار، سال اول، شماره ۳.
- ۳ - ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار، جلد یک، ص ۸۰۵.
- ۴ - ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار، جلد ۲، ص ۹۵۹.
- ۵ - استاد رشید یاسمی، غلامرضا، دیوان اشعار، ص ۵۵.

# ادی شنکر آچاریا

## قدیس و فیلسوف بزرگ

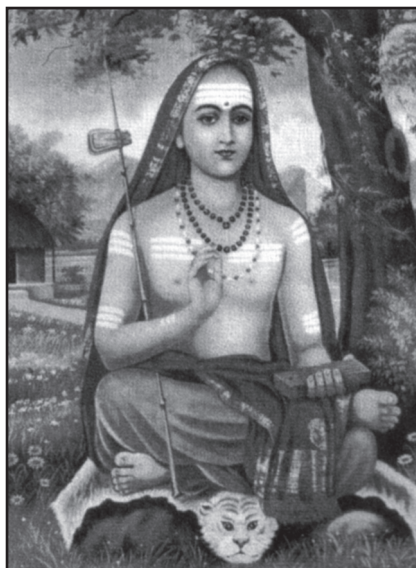
نویسنده: بی. ام. مالهورا ( B. M. Malhotra )

دهکده ی کالادی واقع در مسیر مالابار (کراالا) به شیواگورو (Shivaguru)، به دنیا آمد و همسر وفادارش، آریامبا (Aryamba) بود و شنکرآچاریا به نام شنکرا (Shankara) معروف بود. والدینش به یک فرقه ی برهمنان پرهیزکار، دانشمند و ساعی تعلق داشتند و خود پدرش شروع به دادن آموزش مذهبی به شانکرا کرد حتی زمانی که او تنها یک نوزاد بود. شانکرا کودکی استثنائی با استعداد فوق العاده و تیزهوشی بود. او به عنوان نابغه ی بی نظیری پدیدار گشت زیرا او اصول سانسکریت را هنگامی که تنها یک سال داشت، حتی قبل از اینکه زبان مادری اش، مالایالام (Malayalam) را در دو سالگی یاد بگیرد، فراگرفت. او با حافظه ی خارق العاده و قدرت عظیم تمرکز که به او اعطا شده بود می توانست هر چیزی را که او تنها یک بار خوانده یا شنیده بود، کلمه به کلمه تکرار کند.

او در حدود ۵ سال داشت که پدرش فوت کرد. بنابراین به زودی، او در گوروکُل (Gurukul) (مدرسه ی آموزش مذهبی) پذیرفته شد و در ظرف زمان کوتاهی، در علوم ودیک و علوم دیگر مسلط

ادی شنکرآچاریا (Adi Shankaracharya) نابغه ای با استعدادهای فراوان که تجلی ترکیب نادر یک فلسفی، شاعر، مناظره کننده، مفسر، قدیس و اصلاح گر مذهبی و یکی از تابناک ترین ستاره ها در آسمان فلسفی و معنوی هند بود. او بزرگترین استاد فلسفه ی ادوایتا (Advaita) یا عدم ثنویت بود که طبق آن روح فردی انسان و برهمن، روح غائی و نهایی، یکی هستند و دو ماهیت جداگانه ندارند. در کلمات صریح و مختصرش، « تنها آن برهمن بدون ثنویت (یگانه) وجود دارد؛ اصلا دوگانگی وجود ندارد. در اوپانیشادها واژه ی « برهمن » نماینده ی حقیقت متعالی است، در حالی که ریگ ویدا (Rig Veda) از آن به عنوان « دانش مقدس بیان » و « حقیقتی مجرب در سطحی متعالی » نام می برد. برای شنکرآچاریا، این نماینده ی ابدیت و خلوص به عنوان مهم ترین جنبه های همان حقیقت متعال است. در شرایط دنیای واقعی، برهمن به عنوان قادر مطلق، عالم مطلق و خالق و حافظ و ویرانگر فراگیر نیز ذکر می شود.

استاد مذهبی با تجربه در سال ۷۸۸ میلادی در



این عاشق صادق و پرشور خدا، در یک برهه ای از زمان در تاریخ تفکر و فرهنگ بشری ظهور کرد که درگیری های مذهبی بسیار عادی بود و گرایشات مختلف برای برتری و تفوق مبارزه می کردند. او در حل آن گرایشات متضاد و رسیدن به توافق یکپارچه که نقطه نظر و معنای زندگی واحد را بیان می کرد، بسیار موفق بود.

او با تفاسیر ارزشمندش راجع به نوشته های مذهبی خصوصا اوتارا میمانشا (Uttara Mimansa) و مباحثه های صریح و قاطع، منطق اشتباه مخالفانش را رد می کرد و عدم تنوید را به عنوان آیینی اساسی و نهایی بنیان نهاد. او هم چنین ادعاهای مذهب معروف آن زمان را برای داشتن مسیری خاص برای رسیدن به والاترین خوبی تکذیب کرد. او با آوردن تحقیق عمیق و عرفان به درون حوزه ی ادبیات عبادی، ابعاد تازه ای به آن بخشید. او در تفسیر علمی بهگوت گیتا (Bhagvad Gita)، صراحتا عقیده داشت که خدا نسبت به مخلوق مادی، متعالی و غیرمادی است و حضرت کریشنا همان شخصیت متعالی است که گرچه ظاهرا متولد شده و دارای جسم

شد. بعد از تکمیل تحصیلاتش هنگامی که تنها ۸ سال داشت، زندگی راهبان را در پیش گرفت و رشته های معنوی از جمله یوگای عمل، عبادت، شناخت و کنترل ذهن را همواره تمرین می کرد. در نتیجه، او به زودی به عنوان فیلسوف، عارف و احیا کننده و اصلاح گر آئین هندو معروف شد.

در بیست و چهار سال بعدی قبل از اینکه او در سال ۸۲۰ م. در کدارنات (Kedarnath) در گرهوال هیمالیا جان را به جان آفرین تسلیم کند، طول و عرض وسیع سراسر هند زمان خودش را زیر پا گذاشته بود و نخستین فرقه ی راهبان هندو را بامت ها و آشرام های فراوان (صومعه ها یا زیارتگاه ها) بنیان نهاده بود، که در میان آن ها اصلی ترین در رامیشورام (Rameshwaram) در جنوب، دوارکا (Dwarka) در غرب، پوری (Puri) در شرق و بدری نات (Badrinath) در شمال بودند. او هر صومعه را تحت نظر یک معلم که شنکرآچاریا نیز نامیده می شدند قرار داد که فلسفه ی مکتب وحدت وجود را رواج می داد.

بود، در حقیقت خدای تمام مخلوقات، زاده نشده، ثابت و بدون تغییر، ذاتا لایزال، پاک، روشن ضمیر و مختار است. نوشته هایش از جمله تعدادی از رساله های فلسفی و سرودهای مذهبی شورانگیز، به عنوان اعجاز و شگفتی های دقت و تیزهوشی مورد توجه قرار گرفتند. به قول شادروان دکتر اس. رادهاکریشنن (S. Radhakrishnan)، رئیس جمهور فیلسوف پیشین هند، از آنجا که عقاید سنتی پذیرفته شده به دلیل تغییرات زمانی، ناکافی و ناصحیح شده بودند، بینش شانکراچاریا مداخله کرد و قلب زندگی معنوی را به حرکت واداشت.

شانکراچاریا، الهه های متفاوت معروف را به عنوان مظاهر و نمادهای همان خدای واحد دانست. در نقطه نظرش، همه ی کتاب های مقدس هندو همان حقیقت را بیان می کند یعنی احتیاج به وحدت و یگانگی در صورت های متفاوت. او عقیده داشت که چیزی جز خدا که نرگن (Nirgun) - (فارغ از همه ی صفات) است، وجود ندارد و هر چیز دیگری صرفا تصور غلطی است که انسان با نادانی اش به عنوان حقیقت در نظر می گیرد و در زندگی واقعی در پرتو این فرضیه عمل می کند. جوینده ی حقیقی رستگاری، باید در هر صورت، پرده ی غفلت و نادانی را کنار بزند و اتحاد حقیقی را درک کند و این مقام عالی و رفیع تنها پس از تمرینات و ریاضت های خاص معنوی حاصل می شود که به عرفان می انجامد. این تبلیغ هماهنگی

مذاهب از طریق فلسفه ی عدم ثنویت توسط او، هدیه ی منحصر به فرد او و هند به تفکر فلسفی دنیا بود و هنوز هم هست. این امر هم چنین در سنت قدیمی و مدارای مذهبی و انطباق فرهنگی این کشور باستانی نمایان است.

چنان که در مورد دیگر قدیسین خدانشناس و روشن ضمیر معنوی در طول قرن ها بود، معجزه هایی نیز به ادی شانکراچاریا منسوب شده است. هنگامی که او در سن حساس هشت سالگی خواست تا خودش زندگی راهبانه و ساده ای را آغاز کند، مادرش شدیداً با این اقدام او مخالفت کرد. اما روزی هنگامی که او در رودخانه آب تنی می کرد، تمساحی یکی از پاهایش را گرفت، مادر شانکرا یک شاهد بسیار مضطرب و نگران این صحنه ی وحشتناک بود، از فرط ناچاری آرزو کرد که پسرش به هر قیمتی نجات پیدا کند. در آن لحظه، شانکرا گفت که او خودش را تنها در صورتی نجات خواهد داد که مادرش با اختیار نمودن زندگی رهبانیت او موافقت کند. هنگامی که مادرش به ناچار در موافقت سر تکان داد، شانکرا پایش را از آرواره ی تمساح درآورد و از آب سالم بیرون آمد. این تنها معجزه در زندگی شانکرا نبود. اتمام و انجام کار شگفت انگیز، فعالیت های بسیار زیاد در طول عمر کوتاه سی و دو ساله اش، چیزی جز مجموعه ای از خود معجزه ها و عجایب نبود.

او عقیده داشت که چیزی جز خدا که نرگن (Nirgun) - (فارغ از همه ی صفات) است، وجود ندارد و هر چیز دیگری صرفا تصور غلطی است که انسان با نادانی اش به عنوان حقیقت در نظر می گیرد و در زندگی واقعی در پرتو این فرضیه عمل می کند. جوینده ی حقیقی رستگاری، باید در هر صورت، پرده ی غفلت و نادانی را کنار بزند و اتحاد حقیقی را درک کند و این مقام عالی و رفیع تنها پس از تمرینات و ریاضت های خاص معنوی

● مؤلف، نویسنده ی مشهور مستقلی است.

# گزارشی کوتاه از شرکت تیم مشت زنی جوانان هند در نوزدهمین مسابقات قهرمانی مشت زنی جوانان آسیا در تهران

یک تیم مشت زنی جوانان یازده نفری از فدراسیون مشت زنی هند به سرپرستی کاپیتان بازنشسته جی. منوهران در نوزدهمین مسابقات قهرمانی مشت زنی جوانان آسیا که در تاریخ دوم تا یازدهم مارس ۲۰۱۰م. در تهران برگزار شد، شرکت کرد. این تیم عملکرد قابل تحسینی از خود نشان داد و در این مسابقات از بین بیست کشور آسیایی شرکت کننده مقام دوم را به خود اختصاص داد. هند موفق شد نه مدال را کسب کند (۲ طلا، ۳ نقره و ۴ برنز).

در این مسابقات قزاقستان به مقام اول نایل شد و جمهوری اسلامی ایران مقام شوم را کسب کرد. از بین یازده شرکت کننده ی هندی هشت نفر به دوره ی مسابقات جهانی جوانان که در سال جاری در باکوی آذربایجان برگزار خواهد شد، راه یافتند .



تیم مشت زنی هند با سفیر هند جناب آقای سانجی سینگ و مقامات دیگر



تیم مشت زنی هند با مقامات سفارت هند در تهران



یکی از برندگان مدال با مربی خودو مقامات هندی



برخی از برندگان مدال با مقامات هندی

فهرست برندگان مدال عبارت است از:

نقره	ا.ل. داویندر سینگ	۴۸ کیلوگرم
برنز	ا.س. سری نیواس	۵۱ کیلوگرم
نقره	ناگارجونا	۵۷ کیلوگرم
طلا	ویکاس کرشن	۶۰ کیلوگرم
برنز	هرپال سینگ	۶۴ کیلوگرم
نقره	سومیت سانگوار	۷۵ کیلوگرم
طلا	نوبین	۸۱ کیلوگرم
برنز	منوج کومار	۹۱ کیلوگرم
برنز	رجات	۹۱ کیلوگرم



# الیاف طلایی هند

## کف طبیعی مد روز می شود

نویسندگان : پوپل داتا ( Pupal Dutta ) و آپاراجیتا گوپتا ( Aparajita Gupta )



زمانی کف با گونی های قدیمی و از مد افتاده برای صنایع سیمان، شکر و کارخانجات کود مرتبط بود، صنعت یک میلیارد دلاری جوت ( کف هندی ) از برکت کالاهای بهتر طراحی شده ای که از این الیاف طلایی ساخته شده، تصویری سازنده در رابطه با نگرانی های زیست محیطی و بازاریابی های جدید ارائه می دهد. امروزه انواع زیادی از محصولات روزمره با کف تولید می شوند، در مورد معروف ترین پارچه بعد از پنبه، هند با شصت درصد تولید جهانی نه تنها بزرگترین تولید کننده است، بلکه بزرگترین مصرف کننده و صادر کننده نیز است.

چنین کالایی، که در بازارهای با سلیقه ی آمریکا و اروپا نیز راه می یابد، شامل زیر بشقابی ها، زیر لیوانی، رو بالشی، پرده ها، پادری، کمر بند و حتی کیف های مدرسه ای که میلیون ها بچه ها حمل می کنند، است.

آرتی بهاتا چاریا، دبیر شورای توسعه ی تولید کنندگان کف، یکی از چندین مؤسساتی که دولت برای کمک به این صنعت ایجاد کرده است، اظهار داشت : « هرگاه ما در مورد کف صحبت می کنیم، مردم معمولاً در مورد کیسه ها یا کیسه های گونی فکر می کنند. »

خانم بهاتا چاریا که شورای او نماینده ی گروه کاشتکاران، تولید کنندگان و صادر کنندگان مصنوعات کف است می گوید : « اقلام بسیار جذابی وجود دارند که از کف ساخته شده اند و امروزه بسیار مد گشته اند و بهترین قسمت این است که دوست محیط زیست و قابل مصرف مجدد است. »

« شورا معتقد است که ممنوعیت برای کیسه های پلی اتیلن توسط برخی ایالت ها مانند دهلی، گامهایی در مسیر مستقیم برای الیاف دوست محیط زیست هستند. »

به این دلیل است که شورا فعالیت های تبلیغاتی تازه ای را مانند آنهایی که کودکان مدرسه ای را تشویق می کند که کیف هایشان را با کیف های کفی عوض کنند، آغاز کرد.

طراحان و تاجران کالاهای کفی گفتند که تقاضاهای امروزی نه تنها شامل ساک های کفی سنتی بلکه کیف های شب، کیف های مهمانی، کیف های لباس، کوله پشتی، کیف ها، کیسه های گونی، زنبیل، کیف های خرید و غیره هستند.

این کالا اکنون در بازار کهنه فروش های متعددی در سراسر کشور و هم چنین در فروشگاه های درجه یکی مانند فاب (Fab) هند، مجتمع سانتوشتی (Santushti) در پایتخت ملی، فروشگاه های طراح آنوکھی (Anokhi) و مفاهیم طرح طبیعی (Nature Design Concept) موجود است.

مغازه داران می گویند این کالاها هم چنین سلیقه ی خریداران پولدار را ارضا می کند و تا حدود ۱۰۰ روپیه (۲ دلار) برای یک کیف معمولی و ساده قیمت دارد و تا چند هزار روپیه، بسته به طراحی ها و رنگ ها قیمت بالا می رود.

آدیتی شوکلا (Aditi Shukla)، دانشجوی طراحی مد در پایتخت ملی می گوید: " شما می توانید آنها را با شور و شوق حمل کنید. این کیف های سبز به زودی پیشرو مد خواهد شد. "

همچنین مسائل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با کف وجود دارند. چهار میلیون خانواده ی کشاورز را بیشتر در ایالت شرقی، مخصوصا در بنگال غربی حمایت می کنند و مشاغل بی واسطه برای ۲۶۰۰۰۰ کارگر صنعتی و ۱۴۰۰۰۰ نفر در فعالیت های درجه سه فراهم می کند.

ریتو کومار (Ritu Kumar)، یکی از طراحان معروف مد می گوید: " پارچه ی طبیعی پر طرفدار می شود زیرا این مواد تجزیه پذیر است. استفاده از این مواد طبیعی همچنین به اشتغال کمک می کند. به این صورت ما به جامعه کمک می کنیم. من شخصاً تصمیم گرفتم که از پارچه های مصنوعی دور باشم زیرا اکنون کار بسیار ماشینی شده است. با پارچه ی طبیعی، امکان های بی شماری برای آزمایش و تجربه وجود دارد. از این رو من حالا بر روی آن کار می کنم. "

بنا بر آمار شورا، هند بزرگترین تولید کننده ی کالاهای کفی با میانگین ۱٫۶ میلیون





تن در سال طی ۵ سال گذشته با فروش داخلی ۱,۴ میلیون تن و صادرات ۲۸۵۰۰۰ تن است.

هند همچنین دارای بیش از ۶۰ درصد تولید جهانی کنف با قسمت اعظم تولید از بنگال غربی است که پس از آن بیهار، آسام، اوریسا، آندراپرادش و تریپورا به دست می آید. بنا بر گزارش وزارت نساجی، ۷۷ کارخانه ی کنف ترکیبی وجود دارد که ۶۰ تا در بنگال غربی سه تا در بیهار و سه تا در اوتارپرادش، ۷ تا در آندراپرادش و آسام، اوریسا، تریپورا، و چهتیس گره هرکدام یک کارخانه دارند.

از لحاظ جهانی، کشف کنف از دوران بسیار کهن وجود داشته است، حتی در متون قدیمی آفریقایی و آسیایی از آن نام برده شده است. در حقیقت، کاغذ ساخته شده از کنف، در چین کشف شده است که ۲۰۰ سال پیش از میلاد قدمت دارد. در هند نیز، کشت کنف از چند هزار سال قبل وجود داشته است. اما توسعه ی منظم و واقعی این صنعت در قرن هفدهم آغاز شد و نخستین کارخانه در سال ۱۸۵۵ میلادی در ریشرا ( Rishra ) در سواحل رود هوگلی ( Hooghly ) نزدیک کلکته تأسیس شد.

کارشناسان صنعتی می گویند علی رغم تاریخ طولانی، کیفیت و قیمت دو مسأله ی اساسی در مسیر ترقی و رایج کردن کنف به میان می آیند. بهاتا چاریا گفت: " اما ما به دنبال این عوامل بودیم. شما باید بدانید که کنف بر خلاف پلی اتیلن هنوز محصولی استاندارد شده نیست. "

او توضیح داد: « ما همچنین به دنبال زنجیره ی عرضه ی صحیح در شهرهایی مانند دهلی، جایی که فروش خوب است، هستیم. » و اضافه کرد: همان کار در مقاصد توریستی اوتراکهند ( Uttarakhand ) و هیمالچال پرادش، جایی که کیف های پلاستیکی ممنوع هستند، صورت گرفت.

سانجی کاجاریا، رئیس انجمن کارخانه های کنف هند، گفت: « در دهلی، کیف های کفنی هم چنین به صورت نهادینه استفاده می شوند. تقاضا در آنجا وجود دارد و بنابراین به ثمر می رسد. متأسفانه همان روش در کلکته و دیگر شهرها اتفاق نیفتاد. »

او افزود: « ما جدا از بازاری با موقعیت مناسب، باید به بازار عمده توجه کنیم جایی که مردم از کیف های کفنی علاوه بر استفاده ی زینتی برای امور روزمره شان، استفاده خواهند کرد. صادرات هم مسیری است که باید ادامه پیدا کند. »

( منبع: سرویس خبری هند و آسیا )

# به یاد راج کاپور

نویسنده : بی. ام. ملهوترا (B. M. Malhotra)

مترجم: مریم حسینی متقاعد



راج کاپور، یکی از بزرگترین مجریان نمایش که صنعت فیلم هندی معرفی کرده است، در دو تا از شش مسابقه و نظرسنجی که اخیراً مجله ی معروف هفته نامه ی « *India Today* » ( هند امروز ) به مناسبت جشن های پنجاهمین سالگرد استقلال هند ترتیب داد، به طور برجسته مطرح شد.

در یک نظرسنجی تحت عنوان « از زمان استقلال (هند) چه کسی بزرگترین هندی است»، راج کاپور علاوه بر دیگران، همراه با افراد مشهور ملی و برندگان جایزه ی بهارات راتنا ( Bharat Ratna ) ( عالی ترین جایزه ی غیر نظامی ) مانند جواهر لعل نهرو، ایندیرا گاندی و مادر ترزا در یک ردیف جای گرفت. البته، در این نظرسنجی، نهرو به عنوان انتخاب اول مطرح شد اما صرف شدن نام راج کاپور در لیست شخصیت های ممتاز حاکی از موفقیت بسیار خاص اوست.

دومین نظرسنجی برای انتخاب رمانتیک ترین زوج سینمایی هند از میان شش زوج مشخص قهرمانان مرد و زن بود. در اینجا، راج کاپور همراه با نرگس، قهرمان زن ۱۶ فیلمش، از جمله شش فیلم ساخته شده زیر لوای خود او، به عنوان برنده ی تمام عیار پدیدار گشت.

حال و هوای اطراف راج کاپور که او را مستحق توجه به عنوان یکی از هندیان بزرگ از زمان استقلال و نابغه ی سینمایی که علاوه بر چیزهای دیگر، یک زوج سینمایی بسیار رمانتیک و جاودانی را با نرگس، یکی از بهترین هنرپیشه های زن، عرضه کرد با فیلم های اولیه اش که به عنوان فیلم های کلاسیک به حساب آمدند، به دست آمد و این امر در سراسر کار حرفه ای اش با او باقی ماند. این فیلم ها به دلیل طرح داستان های استثنایی و موضوعات، موسیقی و رفتار هنری دقیق برجسته شدند.

آگ ( ۱۹۴۸ ) ( AAG ) همان، اولین فیلمی که او در سن ۲۳ سالگی تهیه و کارگردانی کرد و در آن با نرگس، کامنی کوشال ( Kamini Kaushal ) و نگار سلطانه، تخیل و تصور جوانان کشور تازه استقلال یافته مان را برانگیخت و ادراک تازه ای از عزت نفس



راج در نقش دلچک

را در آنان بیدار کرد و به آنان جسارت داد تا به جای پیروی از خط مشی والدین شان، مسیر خودشان را دنبال کنند. هیجان، صداقت و درستی و فعالیت هنری که در این فیلم به نمایش درآمد همراه با موسیقی اثرگذارش، جاذبه ی خاصی برای تماشاگران داشت.

راج قبلا در برخی فیلم ها از جمله نیل کَمَل ( Neel Kamal ) جیل یاترا ( Jail Yatra )، دل کی رانی ( Dil Ki Rani ) و چیتور ویجای ( Chittor Vijay ) نقش اول را بازی کرده بود، در حالی که نرگس به عنوان بانوی نقش اول در فیلم های تقدیر، عصمت و نرگس و غیره جلوتر از او بود. اما پس از « آگ » او با تصویر جدیدی نمایان شد که در فیلمی پس از فیلمی که او مخصوصا با راج کاپور بازی می کرد، بهتر و بهتر می شد.

در ظرف یک سال پس از آگ، فیلم برسات ( Barsat ) آمد که آن نیز برای آوازهای خوش آهنگ ابتکاری اش به ویژه با صدای اوج گیرنده ی لاتا منگشکار ( Lata Mangeshkar )، زیبایی تماشایی کشمیر و نوع تازه ای از احساسات گرایی یا رومانسیسم که مانند آتشی وحشی سراسر کشور را فراگرفت، صلاحیت های راج کاپور را به عنوان جوان پرچم دار برای جوانان هندی ثابت کرد. حالت رمانتیک راج و نرگس در این فیلم بود که آرم بعدی همه ی فیلم های آر. کی ( RK ) را به وجود آورد.

راج در طول ساخت این دو فیلم، قبلا به طرزی شکوهمندانه و به صورت تفکیک ناپذیر شماری از افراد با استعداد را مانند زوج هنری آهنگساز شانکار و جایکیشان ( Shankar , Jaikishan )، غزل سرایان شایلندرا ( Shailendra ) و حسرت جای پوری ( Hasrat Jaipuri ) خوانندگان موکیش ( Mukesh ) و لاتا، نویسندگان خواجه احمد عباس و وی. پی. ساته ( K. A Abbas & V. P )، فیلمبردار رادهو کرماکار ( Radhu Karmakar ) و کارگردان هنری ام. آر. آچریکار ( M. R. Achrekar ) و صدابردار علاءالدین ( Allaudin ) را به سوی خود کشیده بود. کار این گروه معرف آثار باشکوه بسیاری بود.



راج کاپور در صحنه ای از سنگم



با پدرش پریتویراج کاپور و پسرش راندهیر کاپور در کل آج اور کل ( Kal Aj Aur Kal )



ریشی کاپور ( Rishi Kapoor ) و دیمیل کاپادیا در فیلم « بایی » راج کاپور در ارتباط با عشق نوجوانی



راج کاپور در یک سکانس آواز در شری ۴۲۰



راج کاپور با « زن واقعی اش در لباس سفید»، همسرش کریشنا



راج در فیلم « آواره »

در حالی که راج هنوز در دوره ی نوجوانی بود، تحت تأثیر پدرش پریتویراج کاپور ( Prithviraj Kapoor ) بود که هم در فیلم ها و هم در تئاتر بازی می کرد. پریتویراج طبق عادتی که داشت در پایان هر نمایش در تئاتر، از تماشاچیان برای برخی اهداف اجتماعی درخور ستایش پول جمع می کرد. راج در این کار با خواندن برخی آهنگ ها بر روی صحنه به او کمک می کرد و بدین وسیله اعانه ها را افزایش می داد. در حالی که از سویی راج نیز با در نظر داشتن مثال پدرش به اهداف اجتماعی متعهد شد، از سوی دیگر او آرزومند بود بدون این که تحت الشعاع والد فوق العاده اش قرار گیرد هویتی مجزا برای خود داشته باشد و بنابراین به سوی سینما به عنوان آفریننده کشیده شد. در حقیقت این آرزویی بود که او از کودکی اش در سر پرورانده بود.

راج در سال ۱۹۵۱ میلادی آواره ( Awara ) را ساخت که در آن شخصیت اصلی قهرمان را به تقلید خانه به دوش چارلی چاپلین ساخت و با زیرکی موضوع حومه و اطراف در برابر وراثت را برای شکل دادن شخصیت حل کرد. فیلم موفقیتی چشمگیر و پر سر و صدا را نه تنها در هند، جایی که بهترین فیلم سال اعلام شد، بلکه در کشورهای دیگر جنوب آسیا، چین، اروپای خاورمیانه ای نیز به دست آورد.

جالب است که راج در این فیلم پدر خودش را در نقش شخصیتی که بدون برخی حواشی منفی نبود، و همچنین پدر بزرگش، بشیسوارناته ( Bisheswarnath ) را در یک دادرسی دادگاهی که پریتویراج، راج کاپور و نرگس در آن شرکت داشتند، به عنوان قاضی کارگردانی کرد.

البته، راج خانه به دوش چارلی چاپلین را هندی کرده بود و به او نوع جدیدی از لباس ها، کلاه، کفش، طرز راه رفتن و ادا و اصول داده بود. همان خانه به دوش با تغییرات ضروری در فیلم های موفق بعدی راج به نمایش درآمد. فیلم هایی مانند آقای ۴۲۰ ( Shri ۴۲۰ )،

جاگتی رهو ( Jagte Raho )، جس دیش مین گنگابهتی هی ( Jis desh mein ganga behti hai )، میرانام جوکر ( Mera Nam Joker )، سنگم ( Sangam )، فیلمی که او در آن به عنوان « غریبه ای اجتماعی » با نشان و اثر برون گرایی کم‌دی بازی کرد. راج از این شخصیت جالب و مورد علاقه برای سرگرمی توده‌ها استفاده کرد و آدم عامی که با تماشای موقعیت‌های متفاوت، می‌توانست به صورت تخیلی خود را جای « رفیق کوچک » قرار دهد و امید را برای مواجهه با مشکلات و حقایق سخت این دنیای ریاکار با کمی فهم و شعور و تدبیر اکتسابی پرورش دهد. در حالی که قهرمان آواره جوانی گمراه و کم‌سواد بود، قهرمان فیلم آقای ۴۲۰، جوانی درستکار و تحصیل کرده‌ی بیکار بود. در « جس دیش مین گنگابهتی هی » او نقش هالویی را بازی کرد و در جاگتی رهو ( که او جایزه‌ی بزرگ Grand Prize ) را در کارلوی وری ( kar lovy vary ) در سال ۱۹۵۷ میلادی برد ( روستایی معصومی بود.

همه‌ی این فیلم‌ها گرچه فوق‌العاده سرگرم‌کننده بودند، پیام اجتماعی نهفته نیز داشتند. کار شاهکارش، میرانام جوکر ( ۱۹۷۰م. ) که راج برای نشان دادن فلسفه‌اش درباره‌ی زندگی و عشق از طریق شخصیت پنهانش یعنی دلک ( joker ) ساخته بود، فیلمی پر فروش نبود. این تقریباً قلبش را شکست و او را ناامید کرد. اما چون او فوق‌العاده مقاوم و مصمم بود، از میان خاکسترها برخاست و فیلم بابی ( Bobby ) را در ارتباط با عشق نوجوانی ساخت که به فیلمی بسیار موفق مبدل شد.

فیلم او « رام تیری گنگا میلی » ( Ram Teri Ganga Maili )، ساخته شده در سال ۱۹۸۵ میلادی، دوباره یک زوج جدید و جوان رمانتیک داشت که موفقیتی بی‌سابقه کسب کرد و همه‌ی رکوردهای قبلی فروش را شکست.

موسیقی ملایم شاخص همه‌ی فیلم‌هایش بود و آهنگ‌های همه‌ی فیلم‌هایش حتی تاکنون زمزمه می‌شود زیرا موسیقی‌اش، تأثیری همیشه سبز داشت که زمان و دوره را نقض می‌کند.

راج بزرگترین شومن هند تلقی می‌شود. این امر در اصل به دلیل مناظر زیبا و تماشایی حیرت‌انگیز و تخیل در فیلم‌هایش، از جمله سکانس‌های روایی در « آواره » و « ستیام شیوام سوندرام » ( Satyam Shivam Sundaram ) است. فیلمبرداری‌های آهنگ‌هایش بدون تأثیرگذاری نبودند زیرا او به نوآوری علاقه داشت و می‌دانست که چطور آهنگ‌ها و سکانس‌های رقص را روی صحنه بیاورد.

رنگ سفید یادگار هنری او بود و همه‌ی قهرمانان زن را به همان رنگ لباس می‌پوشاند و شخصیتی مجزا و مستقل به وجود می‌آورد. بسیاری از همکاران او نیز که زن بودند ترجیح می‌دادند لباس سفید بپوشند، لاتامنگشکار و سیمی گاریوال دو تا از آنان بودند هم‌چنان که همسرش، کریشنا، زن واقعی‌اش سفید می‌پوشید.

راج در بسیاری از جهات دیگر نیز پیش‌کسوت بود. پیشگامی‌های متعدد او شامل فیلمبرداری از قسمت عمده‌ی فیلمی به نام « برسات » با پس‌زمینه‌ی کشمیر، بردن همه‌ی گروهش به اروپا برای فیلمبرداری از سکانس‌های زیبا و دیدنی ( برای سنگم ) و ساختن فیلم « میرا نام جوکر » با هنرپیشه‌های سیرک و فیلم‌روسی بود. بدون شک او فیلم جوکر ( Joker ) را به عنوان « هدیه تشکر » برای روس‌ها ساخت که در میان آنان بسیار معروف بود و بسیاری از آنان کودکان خود را به نام او می‌نامیدند.

او همچنین در ارتباط با آنانی که با او کار می‌کردند، شخصیتی برادرانه و دوستانه نشان می‌داد. شادی‌های همه‌گیر حاکم در روز جشن هولی، در استودیوهای آر. کی (R.K.) مخصوصاً نشانه‌ی این دوستی و رفاقت بود. روز تولدش در ۱۴ دسامبر، موقعیت جشن دیگری در استودیوی او بود که در آن او حتی با پایین‌ترین کارگزارانش به طور راحتی قاطی می‌شد. راج، نابغه‌ی سینمایی چند بعدی بود، علاوه بر تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگر بسیار موفق بودن، تخصص و مهارت بی‌نظیری در همه‌ی بخش‌های فیلم‌سازی داشت. او فیلم‌نامه‌ی آگ را همراه با ایندر راج آناند ( Inder Raj Anand ) و برسات را با رام آناند ساگر ( Ram Anand Sagar ) نوشت.

او علاوه بر تدوین تقریباً همه‌ی فیلم‌ها، حتی داستان "رام تیری گنگا میلی" را نوشت. کار تراز اول و جذابیت شخصی راج کاپور





راج کاپور در شری ۴۲۰



راج کاپور با رئیس جمهور اس. رادهاکریشنن ( S. Radha Krishnan )



اولین نخست وزیر هند جواهر لعل نهرو با دلیپ کومار ( آخرین نفر در سمت چپ ) و راج کاپور ( آخرین نفر در سمت راست )

برنده ی جایزه ی دادا صاحب پهالکه ( Dada Sahib Phalake )، شهرت بی سابقه ای را نه تنها در هند و روسیه کسب کرد، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز گرامیداشت هایی به عمل آمد و جایزه های مهمی به او اعطا شد.

بنابراین او به تمام معنا سفیر فرهنگی هند در بسیاری از کشورها بود.

- عکس ها توسط پال اس. گیوریا ( Phal S. Giroria ) باز چاپ شده است.

◆ مؤلف نویسنده ی مستقلی در مورد فیلم هاست.

● منبع : مجله ی انگلیسی India Perspectives، فوریه سال ۱۹۹۸ م.

# راسکین بوند

## زندگی و روزگار او

نویسنده: گانیش سیلی

راسکین بوند ( *Ruskin Bond* ) نویسنده ی بیش از صد کتاب، در مسوری ( *Mussoorie* ) بیش از چهار دهه زندگی کرده است. گانیش سیلی ( *Ganesh Sali* ) عکاس و دوست قدیمی او در اولین زندگی نامه ی تایید شده، درباره ی زندگانی و روزگار پیرمرد تپه ها که آگاهانه به سمت کاغذ و قلم کشیده شد و در حالی که هنوز در سن ۱۵ سالگی در مدرسه بود شروع به نوشتن کرد؛ در این گزیده که ویژه ی مجله ی *India Perspective* است، خواننده را به میان سالهای اولیه ی تلاش راسکین بوند می برد.

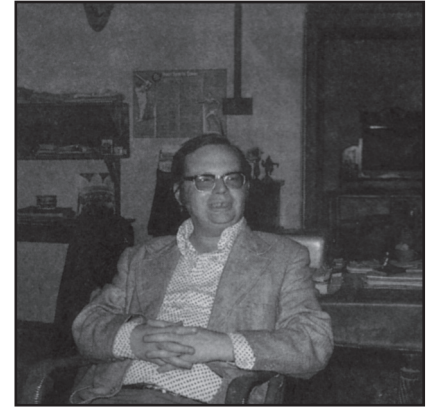
اما این زمان انتظار، زمان جذب جو و حال و هوای آن " یکنواختی بزرگ " به نام هند بود. تأثیر زندگی اش در میان یک خاندان بزرگ پنجابی - بهابهی جی، کامل (Kamal) و برادرش جوگال (Jugal) و تعدادی دیگر - صفحات *Black Wood's Magazine* را که دیگر تعطیل شده، پر می کرد. این یک مؤسسه ی انتشاراتی بزرگی بود که در دوران شکوفایی اش، حمایت با ارزشی



از نویسندگان تلاش گر، از والتر اسکات (Walter Scott) گرفته تا جوزف کنراد (Joseph Conrad)، به عمل می آورد. در مدت اقامتش در دهلی بود که او آنیل چوپرا (Anil Chopra) (نوه ی بهابهی جی) را ملاقات کرد و او را در طول مدرسه و دانشکده ی پزشکی هدایت کرد. در اینجا بود که او عاشق دختری شد. و به قول خود او: « سپس سوشیلا (Sushila) بود. او حدوداً ۱۸ ساله بود و من در حدود ۳۰ سال. او تنها دختری بود که من بیش از ۶ ماه عاشقش بودم! در حقیقت در مورد او بیش از یک سال بود. من نام او را در کتاب هایی می نوشتم که او می گفت دوست دارد، اما هرگز متوجه نشدم که او آنها را می خواند. شاید، اگر او با من ازدواج می کرد، آنها را می خواند. او زیبا بود؛ او جذاب بود؛ مهربان بود؛ او میوه های جامون را با من تقسیم می کرد. می دانید، مهربان. نوع خاصی از دختر که من همیشه در مقابل او سخت بی تاب بودم. او سبزه مانند گوزن بود. من از صحبت در مورد این دختر شیرین و دوست داشتنی دو دل هستم، (من هنوز او را با علاقه ی بسیار زیاد به یاد دارم) و شما می توانید همه چیز را در مورد

سالها در دهرادون (Dehradun) سخت بود. هرکس درگروه سنی او که می خواست چیز با ارزشی انجام دهد، از سقوط شهری که در حال اتفاق بود، فرار می کرد. او نیز مجبور شد که به شهر بزرگی برای پیدا کردن کاری ثابت، همانطور که در انگلیس داشت نقل مکان کند. در ابتدا او در راجوری گاردنز (Rajuri Gardens) با مادر و ناپدری اش اقامت کرد و بعد آنها به پاتل نگر شرقی (Patel Nagar)

نقل مکان کردند. راجوری گاردنز و و پاتیل نگر مناطق دهلی نو هستند؛ این یک کار آسان و راحت نبود و او در سال اول هیچ شغلی نداشت اما به زودی شروع به انجام کار برای شرکت تعاونی برای امداد رسانی امریکایی در همه جا (CARE)، که یک سازمان امداد رسانی بین المللی است، کرد. کارش او را از اردوگاه های اقامتی تبت در مسوری، دارجیلینگ و دلهوزی (Dalhousie) به بایلاکوپا (Bylakuppa)، در میسور برد. او باید گزارشاتی به اداره ی مرکزی شرکت تعاونی می نوشت تا به هدایت بودجه به سمت جاهای درست کمک شود. او از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ میلادی، شروع به نوشتن سفرنامه و مقالات و داستان ها برای کودکان کرد. این شغل وقت بسیار کمی برای او باقی می گذاشت تا دست نویس های طولانی تر را آغاز کند و بنابراین به ثبت اثرش در دفتر خاطراتش ادامه داد، شیوه ای که سال ها بعد هنگامی که به سراغش رفت به او کمک کرد تا موضوعات و اطلاعاتی را زنده کند که فراموش شده بود.



برده می شود. »

در جریان یکی از این سر زدن ها به شاه جهانپور واقع در حدود ۲۵۰ مایلی از دهلی ( جایی که پدرش متولد شد ) بود که روزهای پر آشوب سال ۱۸۷۵ میلادی زنده شد و اولین پیش نویس رمانش « A Flight Of Pigeons » ( پرواز کبوترها ) شروع به شکل گیری کرد. سال ها بعد، در شماره ی نوامبر سال ۱۹۷۵ میلادی در مجله ی ایمپرینت ( Imprint ) چاپ شد. این داستان شاد از عمد بر پایه ی حقایق استوار است اما خوبی و پاکی ذاتی طبیعت بشر را خصوصا در دوران پر تنش نشان می دهد. این داستان به سرنوشت دو زن اروپایی - آسیایی می پردازد : روت ( Ruth ) و مادرش ( Miriam ) با زمینه ی مخلوط نژاد فرانسوی و مسلمان در آشوب بزرگ آن روزها گرفتار شدند. شاید دو رگه بودن خود بوند است که به او کمک می کند تا شرایط طعنه آمیزی را نشان بدهد که لابادورها ( Labadoors ) خودشان را در آن می یابند : آنها، تا زمانی که مبارزان آزادی شاه جهانپور را تصرف می کنند، قسمتی از جامعه ی اروپایی هستند و حالا همین حقیقت زندگی شان را به خطر می اندازد. اما زمینه ی هندی شان است که نقش مهمی را بازی می کند چون هم مسلمانان و هم هندوها در خروش توفان بیرون به آنان سرپناه می دهند.

عصمت چغتائی { یکی از نویسندگان زن و معروف هند } به طور اتفاقی این داستان را در مجله ای دید و از آن خوشش آمد و آن را به شیم بنیگال ( Shyam Benegal ) فیلم ساز نشان داد. به راسکین مبلغ ده هزار روپیه حقوق فیلم اهدا شد و بعدا ششی کاپور ( Shashi Kapoor ) به نام « جنون » تولید کرد.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives. مارس ۲۰۰۴م.

دلباختگی من در داستان های « Love Is A Sad Song » ( عشق آهنگی غمگین است ) بخوانید. من یقین دارم که او جایی در سرزمین های دورافتاده ی غرب دهلی شاد و خوب و با ۵ یا ۶ بچه خوش بخت است. و همانطور که در انتهای داستانم گفتم، ممکن است من از عشق تو دست برداشته باشم اما از عشق روزهایی که عاشقت بودم، دست برنداشته ام. »

او در اوایل دهه ی ۶۰ یک سری از داستان ها مانند « The Crooked Tree » ( درخت کج و کوله ) و « Dehli Is Not Far » ( دهلی دور نیست ) را نوشت. وقتی که راسکین در دهلی اقامت گزید به شهرهای کوچک نزدیک سر می زد و این ها را در مجموعه مقالاتش به نام « Strange Men , Strange Places » ( مردم عجیب، مکانهای عجیب ) - زندگی نامه های کوتاه آن غارتگران اولیه در دوران حکومت بریتانیا در هند، آن ماجراجویان، آن جویندگان ثروت که تصمیم به موفق شدن داشتند، زنده می شوند.

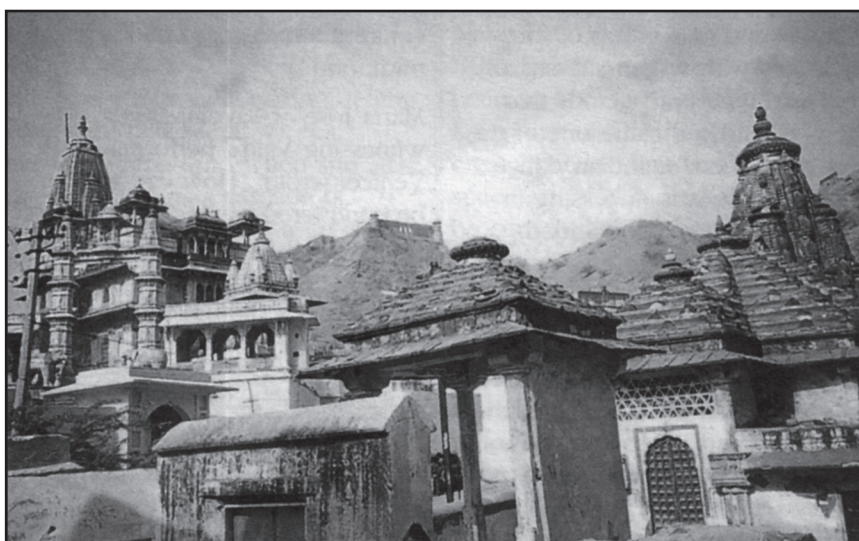
او در پیشگفتار می نویسد : « آن مزدوران عجیب و پر شور (و در واقع نه خیلی خوب) - اکثرا اروپایی - که در سراسر شبه قاره ی هند در طول قرون هجدهم و نوزدهم قیافه می گرفتند و نه فقط برای کشورشان، یا کمپانی هند شرقی یا حتی اربابانشان حداقل نه برای مدتی طولانی، بلکه برای قدرت خودشان، برای ثروتمند شدن خودشان، برای افتخار بیشتر خودشان و گاهی صرفا برای اینکه جنگیدن را دوست داشتند، می جنگیدند. »

او به من می گوید : « تنها خواندن و دوباره نوشتن آنچه می خوانید کافی نیست. زمانی که من به شهری می رسیدم از کلیساها، یادگان ها و قبرستان ها دیدن می کردم تا برای خودم آنچه را که باید بوده باشد را تجربه کنم. از تاریخ با دیدن جاهای حوادث واقعی و اجازه دادن به تخیل که به موقع عقب و جلو برود، بهترین لذت

# معبد امبر

## اعجازی در سنگ مرمر

نویسنده: دکتر سوبهاشینی آریان ( Dr. Subhashini Aryan )



منظره ی مجتمع معبد

دیوارهای برج و بارو دار کاخ قلعه ی امبر، تنها در فاصله ی یازده کیلومتری از شهر صورتی جای پور ( Jaipur )، پایتخت راجستان، بر بالای تپه های آراوالی ( Aravalli ) قرار دارد و با هیبت بر کل شهر سر برآورده است. این مکان که به نام امر ( Amer ) معروف است، پایتخت اصلی سلسله ی کاچهاواها ( Kachhawaha ) بود. کاکیلجی ( Kakilji )، اولین حاکم آن، این شهر قلعه ای را در قرن یازدهم میلادی از رئیس قبیله ی میناها ( Meenas ) با زحمت و تلاش گرفت. ویرانی های قلعه ی قبیله ای مینا هنوز بر بالای قلعه ی تپه ای جای گره ( Jaigarh ) که مشرف بر امبر هستند، قابل مشاهده هستند. قلعه ی امبر و معابد و کاخ های سلطنتی که به طور شاهانه ای تزئین شده اند، نیازی به معرفی ندارند؛ آن ها بسیار معروف هستند به طوری که هیچ بازدیدکننده ای نمی تواند در دیدار از آنها کوتاهی کند.

در میان معابد بی شمار در امبر، عظیم ترین و حیرت انگیزترین زیارتگاه، معبد « جگت شرومانی » ( Jagat Shiromani )، واقع در قسمت شمال غربی کاخ های سلطنتی است. این جواهر معماری معبد، ترکیب شگفت آور و استادانه ی سنگ مرمر و ماسه سنگ قرمز است که بر هنرمندی و مهارت صنعتگران محلی گواه می دهد. گفته می شود که این معبد به یاد کنوار جگت سینگ ( Kunwar Jagat Singh )، بزرگترین پسر مهاراجه مان سینگ اول ( Maharaja Man Singh -I ) توسط خواهرش در اواخر قرن یازدهم احداث



دروازه ی تورانای معبد ویشنو

شده است. بنابراین به نام « جگت شرومانی مندر » است. اما ریزه کاری های مجسمه ای و ساختمانی بیشمار مرا به فکر وا می دارد که تعمیرات و اصلاحات وسیعی در قرون بعدی انجام شده است و خانواده ی سلطنتی جای پور آن را به بهترین وضع نگهداری کرده است.

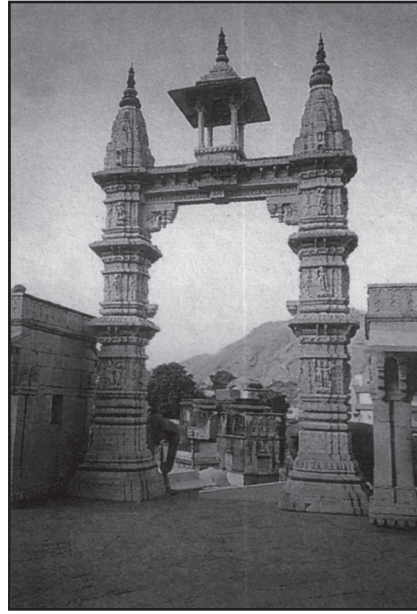
در اصطلاح عمومی، به نام میرا کا مندر ( Mira Ka Mandir ) معروف شده است. این موضوع با شاعره ی قدیس معروف میرا بائی ( Mira Bai ) ارتباط دارد که اصلاً دلالت به ساخته شدن یا نوسازی معبد توسط او نمی کند اما به دلیل اقامتش در این معبد متعلق به کریشنا، الهه ی عزیز و محبوب میرا بائی است. در هر صورت، این تنها معبدی نیست که با میرا بائی ارتباط دارد. دوره های کوتاه مدت اقامت هایش در معابد متعدد کریشنا در سراسر راجستان، گجرات و اوتارپرادش ( مثلاً ورینداوان ( Vrindavan ) ) به آنان نامش را به عنوان میرا - کا - مندر داده است.

معبد جگت شرومانی، آدم را با حکاکی های ظریف، فراوان و پر زرق و برقش که با ظرافت ها و دقت فراوان به وجود آمده، تحت تاثیر قرار می دهد. در حقیقت، فوراً معابد معروف جین ( Jain ) در ماؤنت آبو ( Arbuda = Mount Abu ) را به ذهن یادآور می شود که به دستور ویمالا واساهی ( Vimala Vasahi ) در قرن دهم - یازدهم میلادی تماماً با سنگ مرمر ساخته شدند. طرح های واضح و ظریف چشمگیر ریزه کاری های معماری و طرح های مجسمه ای در هر دو معبد آثار دقت موشکافانه ی هنر ظریف زرگران را بیان می کنند.

این معبد با راهی ماشین رو قابل دسترس است که آدم را به پله های در زیارتگاه می برد. در جنب چاهی عمیق و بزرگ پلکان محکم و منظم بازدیدکنندگان را قادر می سازد تا به در ورودی معبد دسترسی پیدا کنند. یک جفت فیل های مرمری با اندازه ی طبیعی در کنار



ستون های کلاه فرنگی گرودا



تورانایی که به ظرافت حکاکی شده

در ورودی، نزدیک ستون های مرمری بلند واقع شده اند که تکیه گاه تورانا ( Torana = دروازه ) هستند و این یک ترکیب غیر عادی ویژگی های سنتی و غیر سنتی است. تورانا به شکل تاق نما منحنی نیست که از پوزه های مکره‌ای ( Makaras = کروکودیل ها ) که در هر دو طرف حکاکی شده اند، نشأت گرفته باشد و به سر کرت تیموکها ( Kirittmukha ) ( نمای افتخار و شکوه ) در رأس اش منتهی شود. برعکس به جای تاق نما یک نعل درگاه افقی قرار داده شده است. سرهای مکرها نکه داشته شده اند اما مانند دیگر معابد خیلی برجسته نیستند؛ سرهایشان بسیار کوچکتر هستند و در گوشه ها قرار دارند. ستون های عمودی در دو طرف گسترده و به شکل زیارتگاه های مینیاتوری ساخته شده اند و یک کلاه فرنگی روباز چتر مانند ( chhatri ) در وسط نعل درگاه دیده می شود. مجسمه های بسیاری از الهه های هندو و حیوانات این تورانا را زینت می بخشند و بر جلوه ی کلی خوش منظر و ظریف می افزایند.

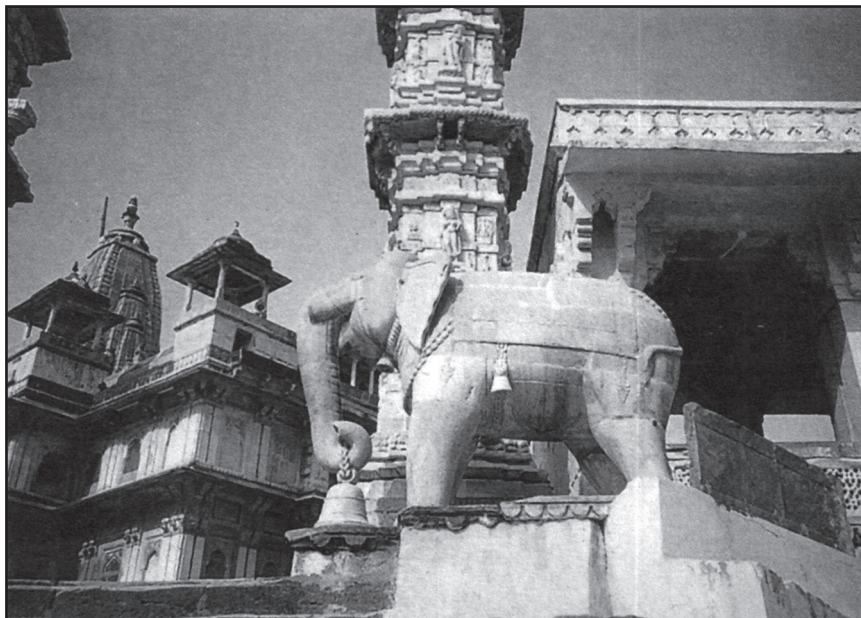
این معبد بر روی پاسنگ مرتفعی متشکل از زنجیره و حاشیه های تزئینی فراوان قرار دارد که هر یک با مجموعه ای از فیل ها اسب ها و گلبرگ های نیلوفر آبی حکاکی شده اند. این ویژگی شاخص بسیاری از معابد سنگی قرون وسطی و پیش از قرون وسطای راجستان است. در مقدس ترین جایگاه، بت های رادها و کریشنا قرار دارد، و به روش و صورت سنتی همه ی معابد بعدی راجستان ساخته شده است. این معبد بالای سرش با منار مخروطی شکل بلندی ( شیکه‌ه‌ارا ) shikhara = پوشانده شده که تماماً از سنگ مرمر ساخته شده و در نور خورشید مانند کَلَش ( kalash ) طلائی و گلدسته ای که بر بالای آن قرار دارد، می درخشد. جایگاه مقدس جلوی سالنی ( Mandapa = مَنَدَپ ) و یک ایوان روباز ستون دار قرار دارد که هر دو با بناهای گنبدی نیمه مدور مسقف شده اند.

نزدیک در ورودی به ایوان ستون دار، کلاه فرنگی روبازی قرار دارد که توسط چهار ستون که به ظرافت حکاکی شده اند، نگه داشته شده، بدین معنی که چهار ستون به هم پیوسته، هر چهار گوشه را گرفته اند. تاقچه های منقوش شیب‌داری، سایبان های آویزان را نگه داشته اند. در ردیف این ستون ها بر هر چهار گوشه، تاق هایی ماریچ و موج دار هستند که ویژگی معمول و رایج معابد جین از قرون دهم - یازدهم میلادی به بعد، از زمان احداث زیارتگاه های سنگ مرمر ماؤنت آبو است. این کلاه فرنگی ها بر مناره های مرمری ( شیکه‌ه‌ارا ) قرار دارند که مانند بیشتر معابد سنگی که در سراسر دشت ها و نواحی تپه ای شمال هند ساخته شده بودند، به جای منحنی بودن مخروطی شکل هستند. این شیکه‌ه‌ارا ها به روش فوق العاده ظریفی تزئین شده اند. کار های اعجاب انگیز بر روی سنگی سخت مانند مرمر و خلق اثری

ملیله دوزی مانند طبیعتا به صنعتگران سنگ راجستان به ارث رسیده است. این موضوع را نه تنها یک یا دو بنای معبد بلکه زیارتگاه های بسیاری که در طول قرون احداث شده اند، به اثبات رسانده اند.

ویژگی خاص دیگر هنر مجسمه سازان سنگی راجستانی، مشبک کاری سوراخ سوراخ بود که بالکن های ساختمان های مذهبی و غیر مذهبی را زینت می بخشیدند. این مشبک ها، کلاه فرنگی روباز را در همه ی جهات احاطه می کنند و بر جاذبه ی زیباشناختی و بصری اش می افزایند. یک گرودا - دهواجا ( Garuda-dhvaja )، ستون سنگی که مجسمه ی سه بعدی گرودا، مرکب یا سواری ویشنو را نگه داشته، روبروی معبد قرار دارد که در تمامی معابد ویشنوی ساخته شده در سراسر هند معمول و متداول است. گذرگاه های سرپوشیده ی ستون دار از ماسه سنگ قرمز و چپتری ( کلاه فرنگی های روباز=chhatris ) محوطه ی معبد را از هر طرف احاطه کرده اند و برای محافظت از بنای مقدس هستند.

معبد جگت شرومانی هنوز در بهترین حالت حفظ شده است. صنعتگرانی که هرازگاهی برای حفظ و تعمیر زیارتگاه فراخوانده شدند، به نظر می رسد که با ساختن و حکاکی قسمت های مختلف با حفظ طرح تزئینی سنتی حق مطلب را در مورد محوطه ی مقدس کاملا ادا



فیل عظیم الجثه ای که از در ورودی محافظت می کند

کرده اند. تعمیرات با ریزه کاری های مجسمه ای و ساختمانی پیشین به خوبی هماهنگ است.

دیدار از این معبد کمتر شناخته شده، در آدم این احساس را به وجود می آورد که مجسمه های سنگی نه تنها نفس می کشند بلکه در میان دیوار ها حتی می توان گفت در کل ساختمان معبد می خوانند و می رقصند. آهنگ موزون غیر قابل توصیفی از هر گوشه و کنار محوطه ی ساختمان شنیده می شود، آدم را به حالت خلسه می برد، تجربه ای که تقریبا با دیدار از تاج محل قابل مقایسه است!

● مؤلف، نویسنده ی معروف تاهریخ هنر است.

منبع: مجله انگلیسی India Perspectives. ژوئن ۲۰۰۴م.

# رقص کتهک

## تکامل قصه گو

نویسنده: لیلا ونکاتارامان (Leela Venkataraman)



روبی میسر-لحظه ای مسحور کننده

کتهک (Kathak)، نوع کلاسیکی رقص که در هند شمالی رشد و نمو کرد ریشه در هنر قصه گو دارد که نقالان و رامشگران هند باستان در آن مهارت و تخصص داشتند. این مقاله بررسی اجمالی تکامل این نوع رقص را اریه می دهد.

رقص کتهک که در مناطق امروزی اوتارپرادش، مادیا پرادش و راجستان (Uttar Pradesh, Madhya Pradesh & Rajasthan) رشد و تکامل یافت ریشه در هنر قصه گو دارد که نقالان و رامشگران دوره گرد هند باستان در آن مهارت و تخصص داشتند. آنها کاملاً به سبک تئاتر و نمایش با مهارت و استادی داستان هایی از حماسه های بزرگ رامایان (Ramayana) و مهابهارات (Mahabharata) را با استفاده از حرکات، ریتم، موسیقی و شعر بیان می کردند. این نقالان دوره گرد که با استفاده از صحنه هایی مانند حیاط های معبد و دیگر فضاهای عمومی از طریق موعظه ها و حکایات خود آموزش و سرگرمی و تفریح فراهم می کردند، در به هم پیوستن جوامع مختلف کشور به صورت یک واحد فرهنگی، عامل مهمی بودند. با مرور زمان این داستان سرایی های نمایشی، چنانکه از نقاشی های قرون ۱۵-۱۸ میلادی مشهود است، با حمایت دربارها و معابد به یک نوع رقص سنتی تکامل یافت.

با عروج امپراتوری مغولی چنان که دور از انتظار نبود با علاقه ی کمتر به موضوعات هندومحور رقص در تجلی و ظهور درباری اش با یک بعد غنی مهارت ریتمی مختلفی را به وجود آورد که امروز هم به عنوان یکی از ویژگی های اصلی مشخص کننده ادامه دارد. این گزارش با موسیقی کلاسیکی در شمال نیز که به شدت بر خلاقیت فردی همراه با بداهه گوئی که بر اساس یک "بندش" یا تصنیف دو



سطری استوار است، سازگار شد. همان عامل آفرینش بی درنگ که در موسیقی "خیال" هند رایج است در رقص نیز شکل جابه جایی موزون و منظم بافته شده در اجتناب عمده از کلیات وزن دار و موزون یا "تال" (tala). رقص معبد و رقص درباری در برجسته سازی بهکتی (bhakti) یا عبادت و دعا در یکی و مهارت در تکنیک در دیگری، اختلاف خود را ادامه دادند.

**تکنیک:** برخلاف انواع دیگر رقص های کلاسیکی هند که در آن سازگاری با چمباتمه زدن رقص نیمه چمباتمه زن با خم شدن زانوها به یک سو امر مورد علاقه مهم سبک و شیوه است، رقص کتهک در یک شیوه دو بعدی مانند رقص فلامینکو بدن راست و افراشته را حفظ می کند و جلو و عقب می رود در حالی که سنگینی را به طور مساوی روی هر دو پا- امتداد پا و خم زانو - می اندازد اما در رقص بهاراتیانایام و انواع دیگر چنین نیست. چرخش ها روی نیک پا با سرعت های مختلف قسمتی از شکل رقص هستند و در اینجا رقص یک کف پا را صاف و محکم روی زمین نگه می دارد و مرکز را تعیین می کند در حالی که کف پای دیگر در حالت چرخیدن بدن مانند یک سر پرگار دایره را نشان گذاری می کند و کوبیدن منظم و آهنگین زمین با کف پا و آمیزه های مارپیچ رفتن در چرخش های موزون (tala) که تاتاکارا (tattakara) نامیده می شود برای این رقص بسیار مهم است و این قسمت است که دوران آموزش و تربیت مورد بیشترین تأکید قرار می گیرد. اجرا کننده کامل رقص کتهک در ایجاد شیوه های ریتم با برجستگی های متغیر آرام در سنگینی بدن در رقص پا به دست می آید، مهارت دارد. همانند رقص های دیگر، رقص کتهک واژگان غنی نوت های مسجع موسیقی خاص خودش را دارد که بول (bols = واژه های آواز) نامیده می شود و در کتهک هر هجای موزون و مسجع که روی ساز کوبه ای "طبله" (tabla) نواخته می شود باید با تولید صدای رقص پای رقص هم آهنگ و متوازن باشد. از جهت تفسیر گرای رقص (تأکید روی اسطوره ی کریشنا متأثر از سنت راس لایلا (Raslila)) که در آن اجرای نمایش بدون کلام و با حرکات دست احساسات درونی رقص را نمایش می دهد، غزل های زبان اردو و شعرهای شاعران هندی زبان مانند سورداس و کبیر و دیگران و شعرهایی غنایی تهومری (=thumri) تصنیف کوتاه با مضمون عاشقانه) با محور موضوعات عاشقانه اساس متن و درون مایه را فراهم می کنند. همانند انواع دیگر رقص با واژگان مخصوص سمبل های دست یعنی مودراها (mudras) حرکات دست رقص کتهک کمتر هستند و استفاده از آن در مقایسه با حرکات تصنعی طبیعی تر است. این نوعی هنر است که بیشتر در هند فتودالی مورد استفاده ی معشوقه ها و "طوایف" (رقاصه ها) بود و استادان رقص (که برخی از آنها اجراکنندگان بزرگ بودند) مرد بودند.

**گهرانه ها (Gharanas خانواده یا مکتب):** سه گهرانه یا مکتب اصلی رقص ظهور کردند. مکتب با وقار لکهنئو را دربار نواب آصف الدوله (۱۷۷۵-۱۷۹۸ م.) فرمانرای اود (Awadh) به وجود آورد و در زمان واجد علی شاه (۱۸۴۷-۱۸۵۶ م.) که سرپرست بسیار قوی این رقص بود به حدی به این کار پرداخته بود که وظایف حکمرانی اش را نادیده گرفته بود، رشد و تکامل یافت. کاردانی و وقار و متانت با پیش کسوت هایی مانند کالکا و بینداین مشخصه های این رقص شد و به دنبال آنها در قرن بیستم میلادی سه فرزند معروف کالکا مهاراج به نام های اچهان مهاراج (Achhan Maharaj)، شمبهو مهاراج (Shambhu Maharaj) و لچهو مهاراج (Lachhu Maharaj) این کار را ادامه دادند و بالاخر این چوب میزانه به فرزند اچهان مهاراج به نام بیرجو مهاراج بزرگ (Birju Maharaj) که در زندگی خودش شخص اسطوره ای بود و به عنوان پدیده رقص کتهک تلقی می شد، انتقال یافت. مکتب جای پور (یک هویت فراگیر بعدی که جریانات مختلف رقص کتهک را منسجم ساخت) که بیشتر تحت سرپرستی خانواده های سلطنتی هندو رشد و تکامل یافت، بیشتر شور و حرارت مدار و طراحی شده به وسیله ویژگی سلحشوری راجستانی است و از رقص پای شاد و پر شور محظوظ می شود. موهان لال (Mohan Lal)، سوهان لال (Sohan Lal)، نارایان پراساد (Narayan Prasad) و جدید تر سوندر پراساد (Sunder Prasad)، دیوی لال (Devi Lal)، هزاری لال (Hazari Lal) کندان لال گنگانی (Kundan Lal Gangani)، گائوری شنکر (Gauri Shankar) همگی استادان/هنرمندان این مکتب بوده اند. مکتب بنارس یا مکتب جانکی پراساد (Janaki Prasad gharana) به عنوان مکتب تقلیدی جای پور ظهور کرد و موسس آن از روستای مائیسور (Mailsur) در حکومت بیکانیر ایالت راجستان بود. اجرای تاتاکار (tattakar) روی پاشنه ها و استفاده از بول های ناتواری (Natwari Bols) و رقصیدن با پشت به تماشاگران ویژگی های این مکتب است که به داشتن استادانی مانند پوران لال (Puranlal)، بیهاری لال (Biharilal)، هیرالال

(Hiralal)، کریشنا کومار، سودارشان دهیر (Sudharshan Dheer)، گوپی کریشنا، هزاری لال و همسرش سونایانا هزاری لال که امروزه مورد استقبال فراوان است و در آخر اما نه کم اهمیت از دیگران ستاره دیوی هشتاد و چند ساله که پیش کسوت رقص کتهک است، افتخار می کند.

در مادیا پرادش (Madhya Pradesh) در دربار رای گره (Raigarh) حاکمان علاقه مند که مشوق هر دو مکتب جای پور و لکهنئو بودند، از رقاصان "ناچا" ی خودشان، کارتیک رام و کلیان (Kalyan) که تحت تعلیم چوئی لال (Chunni Lal) و شیوناراین (Shivnarain) بودند، تشویق به عمل آوردند که در راس گونه ای دیگر از رقص کتهک غنی شده توسط آهنگسازی های حاکم همه فن حریف چارکراهار سینگ (Chakradhar Singh) که در سال ۱۹۳۵ میلادی بر تخت حکومت رای گره جلوس کرد، قرار گیرند.

**صحنه ی پس از استقلال:** با استقلال هند در سال ۱۹۴۷م. و الغای ایالت های شاهزاده نشین، بسیاری از گوروها (استادها) ی اصلی به پایتخت هند، دهلی منتقل شدند. شری رام بهارتیا کلا کیندر (Shri Ram Bharatiya Kala Kendra)، نخستین مؤسسه رقص در نوع خود نمایش رقص کتهک بعد از استقلال هند در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی آغاز کرد و ریاست آن به عهده پاندیت شامبهو مهاراج بزرگ (Pandit Shambhu Maharaj) برای مکتب لکهنئو و پاندیت سوندرپراساد (Pandit Sunder Prasad) برای مکتب جای پور بود. بعد از آن در دهه ی شصت کتهک کیندر (Kathak Kendra) زیر نظر بالاترین سازمان ملی به نام سنگیت ناتاک اکادمی (Sangeet Natak Academy = آکادمی موسیقی و رقص) که برای نظارت بر هنرهای نمایشی تأسیس شد، قرار گرفت، استادانی مانند پاندیت بیرجو مهاراج، کندان لال گنگانی، موننا لال شوکلا، ریبا ویدیارتهی (Reba Vidyarthi) رقص کتهک مکتب لکهنئو و مکتب جای پور را تعلیم می دادند و همراه آنها اجراکنندگان کهنه کار مانند دامیانتی جوشی و تازه کارانی مانند روہینی بهاته (Rohini Bhate) و مایا راؤ (Maya Rao) و اوما شرما (Uma Sharma) صحنه را زینت می بخشیدند. نبوغ بیرجو مهاراج برای رقاصان حرفه ای مثل کومودینی لاکهیا (Kumдини Lakhia)، اورمیلا ناگار (Urmila Nagar)، رانی کارنا (Rani Karna)، مالویکا سرکار (Malaviak Sarkar)، پیرینا شریمالی (Prerna Shrimali)، بهاسواتی (Bhaswati) و عده ای از رقاصان کتهک محرک و انگیزه ای فراهم کرد که آنها شهرت رقص کتهک را به تمام نقاط جهان برسانند.

**طرح و شکل اجرای رقص:** کتهک بدون همراه متشکل است از چندین نوع ترکیب مستقل و کلیت آن قطعات متعدد سریع جای گرفته در یک اجرای متحد.

خواندن "بول" های توکراها (Tukras)، پاران ها (Prans) و تیهایی (Tihais) قبل از رقصیدن آنها و مبادله ی دوستانه حرفه‌ها راجع به جنبه های ویژه ی عرضه ی فن همگی قسمتی از رقص کتهک هستند که در آن ارتباط متقابل با تماشاگران به صورت واه! واه! (کلمات تحسین مثل به به و احسنت) آنها امری طبیعی است. طرح اجرای قدیمی با یک عنصر غالب بداهه گوپی بر گرفته از الهام آنی و چالش های طبله نواز هیچ وقت جزئیاتش از قبل تعیین نشده است. تشریفات سازمان یافته ی پیش صحنه ی امروزی درست به ریشه ی چنین نمایش های نا محدود ضربه وادر می کند و در اینجاست که کتهک باید حداکثر تعدیل و اصلاح را به عمل آورد. اتکاء به رقص از پیش تمرین شده به طور غیر مستقیم عمق را با استعداد و توانایی روان لازم برای بداهه سرایی کاهش داده است. تماشاگران زیاد جهانی که همگی ادبیات شاعران هندی مانند تولسی داس، میرابائی، ویدیاپاتھی (Vidyapathi)، پدماکار و یا نرالا (Nirala) را درک نمی کنند، تمایل داشته اند که از مهارت های ریتمیک و استادی رقص بیشتر ذوق زده شوند و این امر آزمونی برای قضاوت درباره یک رقص کتهک شده است و همراه با آن رقص تفسیری به حداقل رسیده است.

**تأثیرات جهانی سازی:** کتهک نمی تواند از جهانی سازی یا تقاضای صحنه ی بین المللی که برای آن با انواع دیگر هنرها



شووانا نارایان - لحظه ای غم انگیز در ابهینایا



اوما شرما در حال کنار زدن حجاب با نگاهی حسرت انگیز

رقابت می کند، بگریزد. نوع گروهی و به ویژه ژانر نمایش توام با رقص (dance drama) ابتکار را به وجود آورده است که درست از سال های دهه ی بیست میلادی با پیشگامی مادام مناکا (Madam Menaka) که نام اصلی اش لیلای رای = Lila Roy (است) که تولیداتی مانند رقص دیوا ویوایا (Deva Vivaya Nritya) را طراحی کرد. مالتی مادهاو (Malti Madhav) که آن را لچهو مهاراج و بیرجو مهاراج در سال ۱۹۵۸م. طراحی کردند و در آن بیرجو مهاراج و کومودینی لاکهیا (Kumudini Lakhia) نقش اول را داشتند کار بسیار موفق بود. پاندیت بیرجو مهاراج خودش تولیدات بی شمار رقص را با موضوعات جدید طراحی کرده است و تولیدات اولیه اش عبارتند از روپ متی-باز بهادر (Roopmati-Baz Bahadur) و کومار سامبهواوم (Kumar Sambhavam) در سال ۱۹۵۸م.، شان آود (Shan-e-Avadh) در سال ۱۹۶۰م.، دالیا (Dalia) در سال ۱۹۶۱م.، کریشنایانا (Krishnayana) در سال ۱۹۶۶م. و بعد از آن تولیدات دیگر. "انگیکا" ی او با نور پردازی متمرکز بر بخش های جداگانه ی بدن رقصان با حرکات سر، چشم، صورت، مچ دست، دستان و تنه شکل و طرح زیبایی شناختی و هنرمندانه ایجاد می کرد و واژگان کامل حرکات کتھک را به وسیله ی واحدهای کوچک بدن فراهم می کرد. او هم چنین یک تولیدی راجع به چاپ یک کاغذ را



گینا نجلی لال - در حال پرداختن به ژست



ساسواتی سن - پس از رها کردن تیر از کمان



یک توقف دراماتیک در یک طراحی رقص کامودینی لاکهیا

طراحی کرده است. حکایت زندگی نامه ای یک قطعه آهن خام الهام بخش یک کار تولیدی رقص بود. او به عنوان استادی عالی تعداد زیادی از شاگردان را تربیت کرده است. تجربه های فراوان او با ریتم و بول ها نظیر ندارد. او ریتمهای طبیعت را که در امواج خروشان، پرندگان چه چه کنان، صداهای شب، صحبت های انسان ها و الگوهای صدا یافت می شود، در "بندش" های کتیک نشان داده است. او یکی از مغزهای بسیار متفکر است و تمام اکتشافات او در دایره ی سنتی قالب کلاسیکی است.

کومودینی لاکهیا، یکی از شاگردان ارشد گورو شامبهو مهاراج، از لحاظ اکتشافات معاصر سهم قابل ملاحظه ای داشته است. همراهی او با رقصانی مانند رام گوپال (Ram Gopal) احساس خاصی برای جنبه های نمایشی داده است. او خود را از رقص تمام رخ انفرادی با آزمون حرکات نیمرخی در جهات مختلف و با استفاده از ترکیبات زیبا شناختی گروهی و جمعی، دور کرد.

حتی پرهانت (parhant) یا خواندن بول ها یک وسیله نمایشی (تئاتری) نشانگر مبادله ی سخنان ما بین رقصان گردید، بالاتر از همه او جداسازی ریتم را برای رساندن پیامی مورد استفاده قرار داد همانگونه که در دهاکار (Dhakar = ضربان) که تانکارای ساده ضربان قلب گردید. آتول دیسای (Atul Desai) کسی بود که همراه او کار می کرد و از مدت ها پیش آهنگساز او بود و کسی



بود که برای تیم های او چارچوب های ملودی را به صورت نقطه بنیادی جهش و پیشرفت خلق می کرد. کارهای کومودینی مانند آته کیم (Atah Kim) پر از تصویرهای گروهی بسیار قوی هستند. او با برگزیدن لباس های ساده ی با شکوه بدون جواهرات، تمرکز روی رقص با آزاد کردن اجرا کننده از سر و وضع بیش از حد پوشیده ذهنیتی را با صاف ایستادن غرور آمیز و بی خیالی درباره ی بدن به وجود آورده است.

با تعامل با فلامینکو در دوئت ها، رقصیدن به موسیقی غربی و یوالدی (Vivaldi) چنانکه داکشا سیت (Daksha Seth) انجام داده و سونات مهتابی (Moonlight Sonata) توسط شووانا نارایان، رقصان کتهک می کوشند که کتهک پاسخگوی چالش های هم عصران باشد.

♦ مؤلف منتقد رقص است و درباره ی رقص های سنتی هند تعدادی کتاب تألیف کرده است.

• منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۹م.



پریرنا شریمالی - در یک ژست



# ریتها

## میوه ی سحرانگیز هند

نویسنده : کی. ال. نوآتای ( K. L. Noatay )



میوه های درخت ریتها با خواص دارویی فطری و منحصر به فرد توسط مردم کشور از دوران بسیار کهن برای شستن لباس های پشمی، شامپو کردن مو و حتی در درمان بیماری های مختلف استفاده شده است.

گورو نانک دیو ( Gurun Nanak Dev )، بنیانگذار مذهب سیک ( Sikh ) با همراهی مریدان خود در گشت های موعظه اش در جایی در ناحیه ی ترایی ( Terai ) واقع در ایالت امروزی اوتارپرادش بود. گورو و مریدانش که پس از روزی داغ در آفتاب خسته بودند، زیر درخت ریتها ( Reetha ) نشسته بودند. پس از کمی استراحت یکی از مریدانش غذا خواست. گورو به او گفت که میوه ای از درخت بچیند و بخورد. شاگرد به نام بهایی مردانا ( Bhai Mardana ) در ابتدا مردد بود زیرا میوه ی ریتها شیرین نیست. او میوه را چشید. به طور عجیبی، میوه های ریتها در طرفی که گورو نشسته بود، شیرین و در طرف دیگر ترش بود. میوه ها به دلیل تماس جادویی گورو شیرین شده بودند. امروزه، این مکان مورد احترام پیروان مذهب سیک است به طوری که زیارتگاهی با نام گوردوارا ریتها صاحب ( Gurdwara Ritha Sahib ) در این مکان ایجاد کرده اند که در نزدیکی لوها گهات ( Loha Ghat ) در اوتارپرادش شرقی قرار دارد.

این داستان با این حقیقت جالب مطرح می شود : گرچه میوه ها به طور عادی تلخ هستند، با این وجود برخی میوه ها در برخی اوقات شیرین هستند.

توضیح علمی امروزی معجزه ی بالا آن است که میوه ی ریتها از مقداری کربوهیدرات ها تشکیل شده است. تحت شرایط آب و هوایی

مساعد، یعنی آب و هوایی نه چندان مرطوب و نه چندان خشک و دمایی که معتدل باشد، برخی میوه ها تا حدی می رسند که محتوای کربوهیدرات به گلوکز ( قند ) تبدیل می شود و میوه را شیرین می سازد.

ریتها درخت دارویی منحصر به فرد و بومی هند است. بیشتر با نام درخت میوه ی صابون معروف است، نام های مختلفی در لهجه های محلی دارد: دودانی ( Dodani ) یا دودان ( Dodan ) یا دودا ( Doda ). از لحاظ علمی با نام ساینندوس موکوروسی ( Sapindus mukorossi ) معروف است.

قسمت درخت است. قسمت آبدارش دارای می کند و به عنوان جایگزین صابون شستشو پوست این میوه به عنوان محصول خانگی استفاده می شود. این میوه هم چنین خواص آیورویدا برای درمان سرماخوردگی، جوش ایض و صرع و غیره استفاده می شود. در حالی که در مقدارهای اندک به عنوان شربت سینه و داروی گرم روده نیز استفاده می شود، عموماً برای مقابله با شوره ی سر و جلوگیری از موخوره کاربرد دارد.



میوه ی خشک شده ی ریتها، با ارزش ترین ساپونین ( Saponin ) است که کف تولید استفاده می شود. در حقیقت، در روستاها، از محلی برای شستن سر و لباس های پشمین دارویی دارد. در بسیاری از داروهای طب های صورت، اختلال در ترشح بزاق، یرقان حالی که در مقدارهای اندک به عنوان شربت سینه و داروی گرم روده نیز استفاده می شود، عموماً برای مقابله با شوره ی سر و جلوگیری از موخوره کاربرد دارد.

ریتها یکی از درختان بسیار مهم نواحی استوایی و نیمه استوایی شبه قاره ی هند است. در نواحی بالایی دشت های سند و گنگ، مناطق فرودین بسیار زیاد کشت می شود. درخت ریتها و هیمالیای خارجی اوتارپرداش، اوترانچال، گونه هایش در نواحی با ریزش باران سالیانه در می کند. بذریاشی صحیح باعث راحت جوانه برای اطمینان از رشد صد در صد، دانه ها برای کاشته می شوند که یا مستقیماً در چاله های از خاک مزروعی رُس همراه با کود حیاط مزرعه شکل کاشته می شوند. در حالی که درختان میوه در ژوئیه - اوت نمایان می شود و تا نوامبر - دسامبر می رسد، میوه در طول ماه های زمستان جمع آوری و در بازار به عنوان میوه ی صابون فروخته می شود.



سلسله کوه های شیوالیک و هیمالیای در شمال هند فراوان است و در شیوالیک هیمالچال پرداش و جامو و کشمیر وجود دارد. حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ سانتی متر به خوبی رشد زدن بذرها ی ریتها می شود. در هر صورت، ۲۴ ساعت در آب ولرم خیسانده و سپس قبل آماده شده یا در کیسه های پلاستیکی با یا در قلمستان های آماده شده ی به همین بین ماه مه و ژوئن شکوفه می دهند، این

از آنجا که تمامی اجزایش مهم و مورد توجه هستند، تنه ی ( تنه ی اصلی ) ریتها صاف و استوانه ای شکل است. پوستش نسبتاً صاف است. رنگ چوبش زرد کم رنگ و دارای الیاف ریز و کاملاً فشرده و متراکم و نسبتاً سخت است و برای احداث بناهای روستایی معمولی، گنجه های روغن و شکر، ابزار و وسایل کشاورزی و غیره استفاده می شود. این درخت به ارتفاع کلی ۲۰ تا ۲۵ متر، تقریباً ۶۰ - ۸۰ سال عمر دارد. جنگلبانی ها با در نظر گرفتن مزایای آن، با تلاش های دولت های مرکزی و ایالتی ذخیره ی کافی از نشاهای این گیاه را همراه با گونه های مفید دیگر افزایش می دهند تا به احتیاجات زمین داران، گروه های روستایی و افراد کشاورز پاسخ گویند.

◆ مؤلف، نویسنده ی مستقلی است که در بخش کشاورزی تخصص دارد.

● منبع: مجله ی انگلیسی India Perspectives، ژوئیه - اوت، ۲۰۰۹ م.

## برنامه فارسی رادیو دهلی

برنامه صبح از ساعت هشت و نیم تا نه به وقت تهران، روی امواج کوتاه ۱۹ متر برابر با ردیف های ۱۱۷۳، ۱۵۷۷۰ و ۱۷۸۴۵ کیلوهرتز

- ۸/۳۰ آغاز برنامه
- ۸/۳۱ یک آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (روزهای جمعه)
- ۸/۳۵ اخبار هند و جهان
- ۸/۴۵ برنامه ترانه های فیلم هندی / برنامه روحانی (پنج شنبه ها)
- ۹/۰۰ برنامه ترانه غیر فیلمی (جمعه ها) / برنامه ترانه های قدیم (شنبه ها)

برنامه شب از ساعت ۲۰/۴۵ تا ساعت ۲۳/۰۰ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۳۰ و ۴۱ متر برابر با ۷۱۱۵، ۹۹۰۵ و ۱۱۵۸۵ کیلوهرتز

- ۲۰/۴۵ آغاز برنامه
- ۲۰/۴۶ آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (جمعه شب ها)
- ۲۰/۵۰ اخبار هند و جهان
- ۲۱/۰۰ ترانه فیلم هندی
- ۲۱/۰۵ تفسیر روز
- ۲۱/۱۰ موسیقی اصیل هندی
- ۲۱/۱۵ بررسی جراید هند
- ۲۱/۲۰ گفتار (یک شنبه و سه شنبه) / برنامه ادبی (دوشنبه ها) / گل های رنگارنگ (چهارشنبه شب ها) / برنامه قوالی (پنج شنبه شب ها) / برنامه سرودهای محلی (جمعه شب ها) / جهان سینما (شنبه شب ها) / بررسی فیلم ها - برنامه راجع به یک شخصیت فیلم هندی
- ۲۱/۳۰ برنامه قوالی و برنامه نوای هند (یکشنبه شب ها) / برنامه ترانه های یک فیلم هندی (سه شنبه شب ها) - ترانه یک هنرمند (شنبه شب ها)
- ۲۱/۴۰ برنامه غزل (پنج شنبه شب ها)
- ۲۱/۵۵ برگزیده اخبار
- ۲۳/۰۰ پایان برنامه

اگر مایل باشید مکاتبه کنید می توانید نامه های خود را به یکی از دو نشانی زیر ارسال دارید :  
رئیس بخش فارسی رادیو دهلی  
توسط سفارت هند - تهران، خیابان میرعماد، شماره ۴۶

### Incharge

Persian Unit, External Services Division, All India Radio, Room No. 515, New B' Casting House,  
Sansad Marg, New Delhi - 110001 India

## اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رسد که رادیو و تلویزیون سراسری هند برنامه اخبار خود را به صورت آنلاین آغاز کرده اند.  
وب سایت ها از قرار زیر است :

<http://www.newsonair.nic.in>

<http://www.newsonair.com>

ویژگی خاص این وب سایت ماهیت چند زبانه آن است. بازدید کنندگان می توانند نه تنها برنامه های خبری را به زبان های انگلیسی و هندی بلکه به شانزده زبان منطقه ای از جمله پنجابی را نیز گوش دهند. به غیر از اخبار فرمت شنیداری مزیت استفاده از صورت ساده و استاندارد زبانهای مربوط را دارد که می تواند برای نوآموزان و مشتاقان زبان سرمشق باشد.  
امیدواریم که این وب سایت ها برای دوستانان هند و کسانی که زبانهای هند را می آموزند مورد علاقه فراوان خواهد بود.

# Āina-i-Hind

*A Bimonthly Publication of Press and Cultural Section of Indian Embassy (Tehran)*

No. 33, April-May 2010

